

تثبات بہشت

چهل درس زندگی از نگاه امام رضا علیہ السلام

حسین علوی مہر

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : علوی مهر، حسین، ۱۳۴۳ :
نشانی بهشت: چهل درس زندگی از نگاه ائمه علیهم السلام / نویسنده حسین علوی مهر
تهیه و تدوین اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی .
مشخصات نشر : مشهد: نشر قدس رضوی، ۱۳۸۷ .
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص، ۲۴×۱۴ س م .
شابک : ۹۷۸-۹۶۲-۲۷۸۴-۲۸-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : احادیث اخلاقی
موضوع : احادیث شیعه- قرن ۱۲
موضوع : اربعینات- قرن ۱۲
موضوع : ائمه اثنی عشر- کلمات قصار ۱۲
رده بندی کنگره : ۱۳۸۴/ع۷۵ب۱۳۸۷
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۶
شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۱۶۳۵۳



نشانی بهشت / چهل درس زندگی از نگاه امام رضا علیه السلام

تهیه و تدوین : اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: حسین علوی مهر

ناشر: انتشارات قدس رضوی

طراح جلد: علی عصاران

صفحه آرابی: محمود بازدار

نوبت چاپ: نهم، ۱۳۹۴

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک: ۹۷۸-۹۶۲-۲۷۸۴-۲۸-۸

نشانی تهیه کنند: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

سندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است .

تقديم

به ساحت مقدس امام رؤوف و پناهگاه همه شيعيان،
امام هشتم، على بن موسى الرضا (عليه آلاف التحية والثناء)



- مقدمه / ۹
- پیشگفتار / ۱۱
- دین و دین‌داری / ۱۳**
- ایمان / ۱۴
- حقیقت ایمان / ۱۵
- عمل بدون بینش / ۱۷
- عقاید / ۱۹**
- توحید و شرک / ۲۰
- شناخت، آغاز پرستش / ۲۲
- عبادت و تفکر / ۲۵
- حسن ظن به خدا / ۲۷
- پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام / ۲۹
- ایام‌عراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قابل تکذیب است؟ / ۳۲
- طراوت قرآن / ۳۴
- امامت سررشته دین / ۳۶
- شناخت امامان / ۳۸
- گریه بر امام حسین علیه‌السلام / ۴۰
- سه روز هولناک / ۴۲
- زندگی و خانواده / ۴۵**
- هدف و زندگی / ۴۶
- برنامه‌های اساسی زندگی / ۴۸
- تلاش برای زندگی / ۵۰
- مهربانی با خانواده / ۵۱
- نیکی به پدر و مادر / ۵۳
- ۵۵ / ارتباط با خویشاوندان
- ۵۷ / اخلاق**
- ۵۸ / فروتنی
- ۵۹ / نیمی از عقل
- ۶۰ / دوست و دشمن
- ۶۱ / سه چیز مبعوض خداوند
- ۶۲ / طرح دوستی و برادری
- ۶۳ / حیا و شرم
- ۶۴ / اندوه زدایی از قلب‌ها
- ۶۵ / گناه پنهان و آشکار
- ۶۶ / شرط مسلمان بودن
- ۶۷ / سپاسگزاری در برابر دیگران
- ۶۸ / نظافت و آراستگی
- ۶۹ / سکوت مهرآور
- ۷۱ / ثروت و انگیزه‌های جمع‌آوری آن
- ۷۳ / کمک به ناتوان
- ۷۵ / احکام و فلسفه آن**
- ۷۶ / فلسفه خواندن نماز
- ۷۸ / حکمت خواندن سوره حمد در هر نماز
- ۸۰ / چرا ارث زن نصف مرد است؟
- ۸۲ / شرط امر به معروف و نهی از منکر
- ۸۴ / فقر مانع ازدواج نیست
- ۸۶ / شراب؛ منشأ فساد
- ۸۸ / فهرست منابع
- ۹۰ / مسابقه فرهنگی

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که مزرعه جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنی السیل ولا یرقی الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی؛ از تالوئه فروزنده دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها».

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی علیه السلام در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سلسله این خاندان نور و روشنائی، هر چند که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن، علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقراء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرتگاه های تباهی را به شاهراه هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده آدمیت روحی دوباره دمید: «اذا دعاکم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد: «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی الی کانت علیهم».

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جو را فرو می نشاند و راه او را می تواند روشن کند بهره گیری و بازگشت به سرچشمه همان دانش و بصیرتی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و مطهر او علیهم السلام به انسان هدیه کردند و شاید امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده



نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه‌های نور اهل بیت علیهم‌السلام و بازخوانی سیره و آموزه‌های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می‌تپد فرض است که با ژرف اندیشی و ژرف کاوی در معارف اهل بیت علیهم‌السلام گوهرهای ناب و آموزه‌های رهایی بخش این گنجینه عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشش می‌کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه‌ای که در تالیف و تنظیم این مجموعه ارزشمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می‌کنیم و توفیق آنان را از درگاه حق علیم خواستاریم.

از زائران عزیز نیز می‌خواهیم نعمت بی نظیر زیارت پاره تن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با بهره‌گیری از اندیشه، کلام و سیره آن امام همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند و با مطالعه آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه‌های سعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خود بگیرند و خدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.



معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
آستان قدس رضوی

پیشگفتار

سخنان اهل بیت علیهم السلام پس از قرآن مهم‌ترین منبع دینی به شمار می‌رود. قرآن و سنت دو یادگار گران‌بهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما مسلمانان است که پیروی از آن‌ها مانع گمراهی و ضلالت خواهد بود. این احادیث که زوایای پنهان فراوان دارد دنیای بزرگی از دانش و معرفت برای بشریت به همراه دارد و هر جمله کوتاه آن درس بزرگی برای ما انسان‌ها خواهد بود.

بدون تردید این سخنان می‌تواند سرمشق و راهنمای خوبی در زندگی باشد و اهمیت آن وقتی روشن می‌شود که آن را در متن زندگی پیاده کنیم و به آن‌ها عمل نماییم. نوشتاری که در پیش رو دارید گلچینی از احادیث امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام است که در مجموع چهل حدیث و درس زندگی است، این احادیث در موضوعات متنوعی از جمله دین‌شناسی، عقاید، زندگی و رفتار با خانواده، اخلاق فردی و اجتماعی، احکام و فلسفه آن با شرح کوتاهی مورد بحث قرار گرفته است.

از خداوند متعال خواهانیم که با مطالعه این سخنان و عمل به آن‌ها رابطه ما را با امام رضا علیه السلام بیشتر نموده، زیارتش را در دنیا و شفاعتش را در آخرت نصیب همه ما بگرداند. در آرزای همه کسانی که در پدید آوردن این مجموعه همکاری داشته‌اند تقدیر و تشکر می‌شود.



آمین یا رب العالمین / قم
حسین علوی مهر





دین و دین‌داری

ایمان

امام رضا علیه السلام فرمود: «الایمانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ وَ لَا یُكُونُ الْإِیْمَانُ إِلَّا هَكَذَا»؛

ایمان اعتقاد قلبی و جاری کردن آن بر زبان و عمل با اعضای بدن است و تحقق ایمان جز این نمی باشد.

شرح: طبق این روایت ایمان دارای سه شاخصه است: اعتقاد قلبی در مسائل اعتقادی، جاری کردن شهادتین بر زبان و عمل کردن به فرامین الهی، هر کدام از این موارد نباشد ایمان شخص دارای اشکال است. با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی علم و یقین به اعتقادات و مسائل دینی برای ایمان داشتن کافی نیست. حتی اگر کسی شهادتین را بر زبان جاری کرد و قلباً معتقد به وجود خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن کریم و کتاب های آسمانی دیگر و آخرت باشد، اما عمل به دین نکند، نماز نخواند، روزه نگیرد و اعمال جوارحی را انجام ندهد، ایمان چنین شخصی نیز صحیح نیست، برای تحقق ایمان غیر از علم و یقین و اعتقاد قلبی و شهادتین، تسلیم در برابر خداوند و اجرای تمام فرمان هایی که او داده است لازم می باشد و منظور تسلیم شدن در ظاهر و باطن در برابر حق و فرمان های او است به همین جهت قرآن هر جا مسأله ایمان را مطرح می کند در کنار آن عمل صالح را نیز بیان می نماید یعنی ایمان باید عمل صالح به دنبال داشته باشد، در آیات قرآن حدود هفتاد بار ایمان را مطرح کرده و در کنار آن عمل صالح نیز آمده است.^۲

قرآن کریم عده ای را معرفی می کند که ﴿وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَفْتَتْنَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا...﴾^۳ یقین و معرفت به دین داشته اما باز هم کافرند و دین را انکار می کنند زیرا تسلیم خداوند نیستند و عمل صالح نسبت به دین ندارند.

اباصلت از اصحاب امام هشتم علیه السلام درباره ایمان از آن حضرت سؤال می کند؟ حضرت می فرماید: ایمان با سه چیز تحقق پیدا می کند، یکی اعتقاد قلبی (به خدا، نبوت، معاد و ...). و گفتار زبانی (شهادتین) و عمل کردن با جوارح و اگر کسی این سه را نداشته باشد ایمان ندارد.



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰.
۲. از جمله بقره، ۲۵ و ۸۲ و ۲۷۷؛ آل عمران، ۵۷، نساء، ۵۷، ۱۲۲ و ۱۷۳، مائده، ۹۰ و ۹۳.
۳. نمل، ۱۴.

حقیقت ایمان

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزْيَا»؛
هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر این که دارای سه ویژگی باشد: شناخت در دین، برنامه‌ریزی صحیح در زندگی، شکیبایی بر سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی.
شرح: در این حدیث امام رضا علیه السلام سه برنامه زندگی برای رسیدن به حقیقت ایمان بیان می‌فرماید:

شناخت در دین: اسلام مسلمانی می‌خواهد که نسبت به دین خود آشنا و آگاه باشد، مسلمان و مؤمن آگاه، به طرف گناه نمی‌رود، شبهات در او تأثیر ندارد، انحرافات فکری ایمان او را سست نمی‌کند. اما انسان جاهل زود آسیب می‌پذیرد و بر اثر کارهای جاهلانه، هم به خود و هم به دین خود آسیب می‌زند، فریب می‌خورد، ظواهر و تبلیغات به سرعت در او تأثیر می‌گذارند. مسلمان باید اوقاتی از زندگی خود را به آشنایی با مسائل دین بپردازد، تا جایی که برخی از علماء آموختن پاره‌ای از مسائل دینی را واجب دانسته‌اند. آموختن بخشی از دین از جمله معرفت خدا و اعتقادات واجب عینی و بخشی دیگر مانند احکام نماز و روزه واجب مقدّمی است یعنی به عنوان مقدمه یک عمل واجب مانند نماز و روزه، آموختن احکام آن واجب است، علت آن هم روشن است زیرا وقتی یک عمل صحیح و درست انجام می‌شود که آگاهی کامل به احکام و جزئیات آن باشد.

برنامه‌ریزی صحیح در زندگی و مخارج آن: انسان مسلمان باید در هزینه زندگی برنامه‌ریزی خوب داشته باشد. هزینه زندگی را با نیازهای خود و خانواده تنظیم کند و بهترین راه میانه‌روی و اعتدال در مخارج زندگی است. نباید آن قدر در هزینه و مصرف باز عمل کند که نیازمند مردم شود و نه دست‌تنگ باشد که در صورت برخورداری از هزینه حاضر نیست برای خانواده‌اش غذا و لباس مناسب تهیه کند و برای مصرف کردن خست و گرفتگی دارد، در هر صورت موفقیت در زندگی معتدل بودن در امور اقتصادی نه راه تجمل‌گرایان دنیاپرست را داشته باشد که به اسراف و تبذیر و ریخت و پاش‌ها مبتلا شود و نه راه ترک‌کنندگان نعمت‌های دنیا.



۱. تحف العقول، ص ۵۲۵، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۵. برخی دانشمندان از روایت «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» نیز همین استفاده را کرده‌اند که بعضی علم‌ها از علوم دینی واجب نفسی یا عینی است و بر هر فردی واجب است و برخی دیگر به عنوان مقدمه واجب، واجب می‌شود.
رک: استاد مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۰ تا ۳۲.

استفاده از ثروت و زیبایی‌های دنیا حرام نیست بلکه غذای خوب، لباس خوب، زندگی خوب که از راه حلال باشد برای مؤمنان ممنوع نیست، بلکه مطلوب می‌باشد.

شکیبایی و استقامت: از مهم‌ترین پایه‌های ایمان، شکیبایی و استقامت در برابر سختی‌ها است تا جایی که در روایات، تشبیه به سر برای بدن شده است^۱، راه رسیدن به کمال و بالاترین درجات معنوی لابه‌لای مشکلات و ناگواری‌های زندگی و صبر در برابر آن‌هاست^۲. برای رسیدن به حق باید شکیبای بود اگر چه تلخ باشد، در برابر عبادت‌ها و اطاعت‌ها، در برابر مصیبت‌ها و در برابر ترک گناه و معصیت‌ها باید همیشه شکیبایی را پیشه کرد.

ناگواری‌های زندگی گاهی در اختیار خود انسان نیست بلکه خداوند برای آزمایش، مؤمن را به مشکلات و سختی‌ها مبتلا می‌کند.

اما برخی مشکلات معلول کردارهای خود انسان است مانند این که از پول خود محافظت نمی‌کند و گرفتار سرقت می‌شود، بهداشت رعایت نمی‌کند و مریض می‌شود، قوانین رانندگی را رعایت نمی‌کند و تصادف می‌کند، کسب و تجارت را دقیق انجام نمی‌دهد و گرفتار زیان و خسارت می‌شود، گاهی به دنبال آرزو، هوا، هوس و گناه است، خود را به گرفتاری می‌اندازد و آسیب بزرگی در زندگی می‌بیند.

آثار پیش‌آمده از این امور اگر چه خود نیازمند صبر مضاعف است اما انسان باید متوجه باشد که مشکلات پدیدآمده معلول عملکرد خود انسان است، نه این که بگوییم خداوند خواسته یا شانس من این چنین است



۱. کافی، ج ۲، ص ۸۹ و ۹۰.

۲. همان: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: بهشت با سختی‌ها و صبر پیچیده شده است، کسی که بر سختی‌های زندگی در دنیا شکیبای باشد، وارد بهشت می‌شود.

عمل بدون بینش

امام رضا علیه السلام می فرماید: «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعة السیر الا بعداً عن الطریق»؛ آن کس که بدون بینش کاری را انجام دهد همانند کسی است که بیراهه می رود؛ هر چه سریع تر حرکت کند از راه صحیح دورتر می شود.

شرح: کارهای باشتاب، بدون دقت و برنامه ریزی قبلی فرجام خوبی ندارند. پس از انجام کار روشن می شود که خطاهای زیادی در آن وجود دارد که ممکن است برخی قابل جبران نباشد یا به سختی جبران شود. انسان باید در کارهای مهم زندگی همانند خرید خانه، ماشین، ازدواج، انتخاب شغل و... دقت و بینش کافی به خرج دهد، بینش رمز موضع گیری سالم و اصولی است. بینش ضریب خطا را در کارها کاهش می دهد، بینش مانع غافلگیر شدن خواهد بود. به عنوان مثال یکی از مهم ترین برنامه های زندگی ازدواج است. ازدواج و انتخاب شریک برای زندگی باید با تفحص، آگاهی و بینش باشد اگر یک دختر باشتاب و به محض دیدن یک جوان در خیابان با ردوبدل کردن الفاظ زیبا و دلفریب فریفته او شود و تن به ازدواج دهد، راهی انحرافی رفته است به زودی زندگی که می توانست شیرین و گوارا باشد به تلخی و ناکامی منجر می شود و نیز مانند کسی که پایه ساختمانی را کج یا ضعیف بنا نهد هر چه این بنا بالاتر رود ضرر و خرابی آن بیشتر خواهد شد.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

اصولاً رشد واقعی و کمال نهایی در این است که کارهای انسان از دانش و بینش برخوردار باشد، درست بشناسد و درست عمل کند، زیرا کارهای شتابزده همواره با اشتباه و خطا همراه است در نهایت انسان باید با پوزش و عذرخواهی به اصلاحات پیش بینی نشده بپردازد.







عقاید

توحید و شرک

امام رضا علیه السلام فرمود: «من سَبَّهَ اللهُ تَعَالَى بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ»؛ کسی که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه کند مشرک و کسی که صفات ناقص و نهی شده به خداوند نسبت دهد کافر است.

شرح: یکی از پایه‌های اصلی توحید در صفات، بی‌مانندی خداوند است، یعنی خداوند شبیه و مثل ندارد و نمی‌توان او را به چیزی تشبیه کرد. خداوند از هر نظر نامحدود و بی‌پایان است و هر چه غیر خداست از هر نظر، حیات، علم، قدرت، احاطه و ... محدود و متناهی است. در نتیجه نمی‌توان خدا را در صفاتش به هیچ موجودی تشبیه کرد و هر گونه تشبیه و تمثیل برای خداوند، محدود ساختن او است و مایه بُعد و دوری از شناخت حقیقی خداوند خواهد شد زیرا به جای آن که خدا را بشناسیم موجود دیگری که ناقص‌تر از اوست در نظر گرفته ایم و این‌جا است که گفته‌اند: یکی از خطرناک‌ترین پرتگاه‌هایی که در راه شناخت صفات خداوند وجود دارد پرتگاه تشبیه است یعنی خدا را در وصفی از اوصاف شبیه انسان با مخلوقاتش بدانیم، این سبب می‌شود که انسان به درّه شرک سقوط کند، به همین جهت است که مشرکان عصر جاهلی تصور می‌کردند که خداوند مانند یک پادشاه بزرگ است و نمی‌توان به او دسترسی پیدا کرد که وزرا و نزدیکان پادشاه به سراغ او می‌روند ولی توده مردم دسترسی به خود پادشاه ندارند و باید به سراغ مقربان او بروند، به همین جهت بتی را می‌ساختند تا آن‌ها مقربان درگاه خداوند باشند و این بارزترین مصداق شرک است، لذا امام هشتم علیه السلام در روایت فوق هشدار می‌دهد، هر کسی خداوند را به مخلوقات تشبیه کند مشرک است و قرآن نیز مرتب تذکر می‌دهد که ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^۱، ﴿لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^۲، خداوند هم‌تا و مانندی ندارد. حتی در آن جایی که ناچار می‌شویم خداوند را به نور و مانند آن تشبیه کنیم باید توجه داشته باشیم که این گونه تشبیهات ناقص و نارسا است و تنها از یک جنبه قابل قبول است نه از تمام جهات. از طرف دیگر خداوند از هر عیب و نقص و عوارض و صفات ممکنات پاک و منزّه است، در نتیجه صفاتی مانند جسمانیت، اعضا، جوارح، ترکیب، مکان، زمان، تغییر، دگرگونی و ... نمی‌توان به خداوند نسبت داد، کوتاه‌فکران اوصاف ناشایستی برای خدا قائل شدند



۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. شوری، ۱۱.

۳. توحید، ۴ رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۲۴.

و به دژۀ کفر سقوط کردند، گاهی برای خدا فرزند قائل می‌شدند، گاهی عیسی را پسر خدا می‌شمردند، گاه فرشتگان را دختر خدا می‌نامیدند، گاه میان خدا و طایفه جن رابطه خویشاوندی برقرار می‌ساختند، گاه بتها را همتا و شریک خدا قرار می‌دادند و گاه برای خداوند اوصافی مانند موجودات و یا اجسام معتقد بودند اما طبق آیات قرآن و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام همه این اوصاف از ذات مقدس خداوند منتفی است^۱، او دارای کمال مطلق است ، مثل و مانندی برای او نیست، بی‌نیاز است و امام هشتم علیه‌السلام می‌فرماید: «هر گونه توصیف مخلوقات یا وصف منفی به خداوند نسبت داده شود منجر به کفر می‌شود.»^۲ «سبحان الله عما یصفون»^۳ خداوند برتر از هرگونه توصیف‌کنندگان است، بنابراین مسلمان موحد نباید خداوند را به چیزی تشبیه کند یا صفتی از صفات مخلوقات را به او نسبت دهد و بهترین راهنما برای فهم اوصاف خداوند بهره‌گرفتن از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.



۱. پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.
۲. مؤمنون، ۹۱.

شناخت؛ آغاز پرستش

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ»^۱. نخستین مرحله پرستش، شناخت و معرفت خدا است و پایه معرفت خداوند، توحید و یگانه دانستن او است.

شرح: عبادت و پرستش خداوند از مهم‌ترین اهداف آفرینش انسان است، «ما جن و انسان را نیافریدیم مگر برای عبادت و پرستش»^۲ اما همواره دین اسلام بر این نکته تأکید دارد که عبادت و پرستشی مفید است که همراه با آگاهی و شناخت باشد.

به همین جهت امام هشتم علیه السلام نخستین مرحله پرستش را شناخت و معرفت خداوند می‌داند. شناخت و معرفت از مهم‌ترین پایه‌های دینی به حساب می‌آید به گونه‌ای که در زمره مهم‌ترین واجبات شمرده شده است، اسلام ضمن دعوت به فراگیری شناخت و علم آن را برای بشر ضروری و لازم می‌داند و در آیات زیادی به آگاهی و شناخت نسبت به صفات خداوند از جمله حکمت، علم، بصیرت، عزت، قدرت و صفات دیگر پروردگار^۳ تأکید شده است.

در برخی از آیات هدف آفرینش جهان را علم و معرفت می‌داند^۴ اساساً بدون معرفت و علم، اسرار هستی قابل درک نیست و همین مسئله موجب امتیاز و برتری انسان بر سایر موجودات و کلید نجات انسان شده است.

مطابق آیات قرآن کسانی که دارای علم و معرفت هستند در برابر خدا، خضوع و خشوع بیشتری دارند^۵ و بیشتر به خاک مذلت می‌افتند و بر آستان دوست سجده می‌کنند و همین دانش و شناخت است که موجب خشیت و ترس حقیقی از خداوند خواهد شد. به همین جهت نخستین مرحله پرستش خدا شناخت و معرفت است. شناخت خداوند متعال راه‌های مختلفی دارد و به تعبیری «الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق» به تعداد خلائق راه به سوی خداوند وجود دارد، البته باید توجه داشت که ذات خداوند را نمی‌توان شناخت؛ بلکه شناخت خدا از طریق شناخت صفاتی مانند قدرت، علم، حیات، حکمت، عدالت و ... است. این جهان هستی و موجوداتی که آفریده اوست همه نشان از قدرت، علم، حکمت و ... دارند



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۱۲، میزان الحکمة، ج ۶ ص ۱۲.

۲. ذاریات، ۵۶.

۳. بقره، ۳۰ و ۲۰۹ و ۲۳۱ و ۲۳۳؛ حدید، ۱۷ و ...

۴. طلاق، ۱۲.

۵. فاطر، ۲۸.

به همین جهت، ما می‌توانیم از راه مخلوقات به خدای بزرگ پی ببریم و او را بشناسیم، می‌توانیم از راه نظام دقیق و حساب شده‌ای که بر عالم هستی حکمفرما است بفهمیم که نظم این جهان برگرفته از یک مبدأ قدرتمند و عالم است (برهان نظم)، می‌توانیم از راه دگرگونی دائمی که در جهان وجود دارد و همه چیز حتی درون انسان دارای حرکت و دگرگونی و تغییر است بفهمیم که نقطه ثابتی در این جهان وجود دارد که همه این دگرگونی‌ها و حرکات از آن جا سرچشمه می‌گیرد (برهان حرکت) می‌توانیم از راه نیازمندی و فقر عمومی موجودات جهان هستی و خود انسان متوجه شویم که یک منبع عظیم و بی‌نیاز که در ذات خود مستقل است وجود دارد که همه این وابسته‌ها بر او تکیه دارند (برهان فقر و غنا یا وجوب و امکان) و می‌توانیم از راه مخلوق و معلول بودن این جهان به طور سلسله‌وار، به یک علت اصلی برای هستی پی ببریم. (برهان علت و معلول)

این‌ها راه‌هایی است برای شناخت خداوند اما اساس همه این‌ها یکی از مهم‌ترین صفات خدا، توحید و یگانگی او است که امام هشتم علیه السلام نیز به آن اشاره کرده است، زیرا:

اولاً: توحید زیربنای شناخت تمام صفات خدا است و هیچ یک از صفات، بدون توجه به اصل توحید قابل درک نیست.

ثانیاً: زیربنای تمام ادیان آسمانی به ویژه قرآن کریم توحید است و غالب بحث‌های قرآن کریم که درباره وجود خدا است بر محور همین اصل دور می‌زند تا آن جا که برخی گمان کرده‌اند قرآن درباره اصل وجود خدا سخنی ندارد و همه درباره توحید است.

ثالثاً: تمام عقاید اسلامی، احکام، قوانین آن و مسائل اجتماعی، اخلاقی و عبادی از همین اصل سرچشمه می‌گیرد و سراسر قرآن بازتاب مسئله توحید است.

رابعاً: محور اصلی فعالیت پیامبران الهی نیز توحید و مبارزه با شرک بوده است. از طرف دیگر این اصل ما را به وحدت و یگانگی جهان نیز می‌رساند که تمام جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است که اگر چه اجزای متعددی دارد اما تمام اجزایش در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار می‌گیرند و همین وحدت جهان خود نشانه‌ای از وحدت او خواهد بود.

ایمان به خداوند یگانه، می‌تواند حلقه اتصال قلوب میلیون‌ها انسان باشد؛ زیرا انسان‌ها می‌توانند با وجود اختلافات نژادی، جغرافیایی، قومی و زبانی، با چنگ انداختن به اصل توحید، به هم پیوند خورده و جامعه‌ای نیرومند تشکیل دهند.

این توحید است که درس خلوص نیت به انسان می‌دهد و می‌تواند با هر گونه ریا، شرک، هواپرستی، جاه‌پرستی، دنیاپرستی و شیطان‌پرستی به مبارزه برخیزد. به همین



علت امام رضا علیه السلام در سخن خود اساس معرفت خدا را توحید می‌داند. در نتیجه اصل توحید در همه جا ریشه داشته و در عقاید، اعمال و اخلاق فرد و جامعه تأثیر گذار خواهد بود. آری تنها خالق و معبود جهان هستی خداوند واحد و یگانه است که شریک ندارد «قل هو الله احد» و زیباترین شعار اسلام یعنی «لا اله الا الله» نیز همین مفهوم را می‌رساند.

در این جا به طور گذرا به اقسام توحید نیز اشاره می‌شود تا به خوبی سخن امام هشتم علیه السلام که اساس معرفت خدا را توحید معرفی کرده‌اند روشن گردد. توحید دارای شاخه‌هایی است از جمله:

توحید در ذات: یعنی ذات پاک خدا هیچ گونه شبیه و مانندی ندارد و از هر جهت یکتا و بی‌همتا است.

توحید در صفات: یعنی همان طور که ذات خداوند ازلی و ابدی است صفاتش نیز ازلی و ابدی است و صفات خداوند عین ذات او است و چیزی زاید بر ذات او نمی‌باشد. **توحید در عبادت:** که حساس‌ترین بخش توحید است یعنی جز او را نپرستیم و بر غیر او سر تسلیم فرود نیاوریم و سجده نکنیم.

توحید در خالقیت: یعنی سراسر جهان هستی فعل خدا و آفریده شده او هستند و به تعبیر دیگر آفریننده جهان یکی است.

توحید در ربوبیت: یعنی سرپرست و اداره‌کننده و مربی عالم هستی تنها خدا است. توحید در مالکیت: یعنی مالک حقیقی همه جهان حتی جهان آخرت ذات پاک خدا است و سایر مالکیت‌ها جنبه مجازی دارد.

توحید در قانونگذاری: یعنی حق تشریح و قانونگذاری مختص، خداوند متعال است، توحید در اطاعت: یعنی انسان‌های موحد تنها از خداوند پیروی می‌کنند و جان به فرمان او هستند.^۱

البته یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که خداوند در برخی موارد می‌تواند برخی از حقوق را به دیگری واگذار نماید مثلاً به پیامبرانش حق تشریح برخی از امور بدهد یا به انسان دستور دهد که از پیامبران نیز اطاعت کند و این با توحید حقیقی منافات ندارد.

۱. جهت کسب اطلاع بیشتر رک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۲ و ۳.

عبادت و تفکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ وَنَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»؛ عبادت، روزه و نماز زیاد نیست بلکه عبادت بسیار اندیشیدن در امر خداوند است.

شرح: یکی از موضوعات مهم دین اسلام دعوت به تفکر و اندیشه است که ارزشمند بلکه از بهترین عبادت‌ها نیز شمرده می‌شود و بهترین نوع آن اندیشه در امر خداوند است، اندیشه در مناظر زیبای آسمان‌ها، در وجود شگفت‌انگیز انسان، در نعمت‌های خداوند، در آفرینش موجودات روی زمین، حیوانات، گیاهان، دریاها، کوه‌ها، جنگل‌ها، شب و روز که همه این‌ها ما را به شناخت آفریننده‌ای قدرتمند، حکیم، مدبر، زنده و ... می‌رساند و پس از چنین اندیشه‌ای است که انسان تسلیم آفریننده خود و گوش به فرمان وی می‌شود و در نتیجه نماز، روزه و عبادات دیگر را با شناخت انجام می‌دهد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام روزه و نماز فراوان را عبادت حقیقی نمی‌داند. بلکه ما را به اصلی دعوت می‌کند که تمام فروع دین نتیجه آن خواهد بود و آن بسیار اندیشیدن در امر الهی است زیرا به وسیله آن مهم‌ترین اصل و پایه دین یعنی توحید با معرفت به ثمر می‌نشیند و در ادامه انسان بهترین معبود را برای خود انتخاب می‌کند.

در این روایت نکته‌های دیگری نیز قابل استفاده است:

- ۱- عبادت منحصر به نماز و روزه بسیار نیست بلکه عبادت کامل تفکر در کارهای خدا و آفرینش شگفت‌انگیز او است. که با آن متوجه می‌شود این جهان هستی عبث و بیهوده نیست و چنین عبادتی است که ارزشمند است.^۱
- ۲- امام علیه السلام می‌خواهد که انسان‌ها اعمال عبادی خودشان را با آداب و شرایط و شناخت کامل انجام دهند، چه بسا عبادت‌های زیادی که ارزشی ندارد و آن در صورتی است که بدون معرفت و آگاهی به شرایط و کیفیت باشد.
- ۳- همین تفکر است که به زندگی انسان جهت مثبت می‌دهد، انسان را وادار می‌کند که از فرصت‌ها بهترین استفاده را بکند، با هدف و معنا زندگی کند، از سرنوشت گذشتگان پند بگیرد و به دنبال فساد و پوچی نرود و در نهایت زندگی آخرت خود را نیز تأمین کند.

۱. تحف العقول، ص ۸۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۴؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۲. مانند این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام در تحف العقول نیز نقل شده است.
۲. ر، ک، علامه مجلسی، بحارالانوار، همان.

اما خیال‌پردازی درباره کارهای بیهوده، فاسد و گناه‌آلود، اولاً آن را نمی‌توان تفکر و اندیشه نامید، ثانیاً اگر تفکر بنامیم، تفکر باطل و وسوسه‌های شیطان است که اگر شدت پیدا کند انسان را آلوده به گناه خواهد کرد.



حسن ظن به خدا

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ»؛ به خداوند گمان نیک ببر زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «من نزد گمان بنده ام هستم، اگر نیک باشد پاداشش نیک و اگر شر باشد پاداشش شر خواهد بود». زندگی همواره با مشکلات و سختی‌ها است و چه بسا بسیاری از سختی‌های زندگی برای امتحان باشد، انسانی در زندگی موفق است که با آن‌ها مبارزه کند و ناامیدی به خود راه ندهد. بنابراین اگر کسی مبتلا به سختی و گرفتاری شد نباید به خداوند بدگمان شود و تصور کند خداوند او را دوست ندارد و تمام سختی‌ها فقط برای او است.

همچنین نباید سختی‌ها و گرفتاری خود را به بدشانسی و اقبال بد نسبت دهد (که شانس و اقبال امری موهوم و باطل است). در برابر گرفتاری و سختی‌ها نیاز به اندیشه، صبر، تصمیم‌گیری به موقع، احساس امید، استمداد از خداوند و در نتیجه برخورد صحیح و معقول با آن‌هاست، چه بسا این آزمایش و زمان سختی، زیباترین و ماندگارترین لحظات زندگی انسان باشد، حضرت ایوب علیه السلام سختی‌های فراوان در زندگی کشید ولی بر همه آن‌ها صبر نمود و می‌گفت به این همه بلا راضیم و نیز می‌فرمود: «پروردگارا! تو مهربان‌ترین مهربانانی»^۱ و تا آخرین لحظات جز حسن ظن به خدا چیزی نداشت، همان طور که حضرت زینب علیها السلام دربارهٔ حادثهٔ کربلا با آن همه سختی‌ها فرمود: «جز زیبایی چیزی ندیدم»^۲ و این همان حسن ظن به خدا است.

یادآوری می‌شود که برخی از سختی‌های زندگی انسان بر اثر اشتباه و خطاهای خود شخص است و تلاش می‌کند تا در صدد جبران آن برآید انسان برای سرپوش گذاشتن بر ضعف و اشتباه خود، این‌ها را نیز به خداوند نسبت می‌دهد. علت خطاها ممکن است حرکت در مسیر باطل، ارتکاب گناه، سستی در انجام کاری یا فرار کردن از زیر بار مسئولیت باشد که انسان را به نتیجه نامطلوب می‌رساند سپس از کردهٔ خود پشیمان می‌شود و آن را به خدا نسبت می‌دهد و یا تحریقش می‌کند، در حالی که همهٔ این‌ها ناشی از سستی و ترس و ارتکاب حرام خود شخص است و او به دنبال توجیه غلط برای این کارها است؛ گاهی دین، گاهی خدا، حتی گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله را عامل این کارها می‌داند و این همان

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳.

۲. انبیاء، ۸۳.

۳. سید بن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۷۰.



بدگمانی به خداوند است؛ چه دردناک است که انسان خود عامل شکست خود باشد و با دست خود راه نجات را به روی خود ببندد و واقعیت‌ها را دگرگون جلوه دهد و به خداوند نسبت دهد. به همین علت امام هشتم علیه السلام می‌فرماید: «به خدا حسن ظن داشته باش، چرا که خداوند می‌گوید: «من نزد گمان بنده‌ام هستم، اگر گمان بنده نیک بود پاداشی که می‌گیرد نیز نیک خواهد بود و اگر ظن بنده من شر بود پاداش او نیز شر و بدی خواهد بود.»



پیامبران اولوالعزم علیهم السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا سَمِيَ أَوْلُو الْعِزْمِ، أَوْلَى الْعِزْمِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَصْحَابَ الشَّرَائِعِ وَ الْعَزَائِمِ»؛ پیامبران اولوالعزم در حقیقت بدین سبب اولوالعزم نامیده شده‌اند که دارای آیین و شریعت بوده‌اند.

شرح: خداوند برای هدایت بشر در طول تاریخ پیامبرانی را فرستاده است، برخی پیامبران مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله دارای کتاب و شریعت هستند، برخی پیامبران مانند حضرت داود علیه السلام تنها صاحب کتابند و شریعت خاصی ندارند و برخی پیامبران دیگر نه کتاب دارند و نه شریعت.

گروه نخست را پیامبران «اولوالعزم» نامیده‌اند. اما چرا آنان به این نام خوانده می‌شوند و آیا تعداد آنان همین پنج نفرند یا بیشتر؟ مطالبی مطرح شده است که به توضیح آن می‌پردازیم:

«عزم» به معنای اراده محکم و استوار و «اولوالعزم» به معنای صاحبان اراده است. در قرآن کریم «عزم» در چند معنا به کار رفته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود:

عزم به معنای صبر، خداوند می‌فرماید: «کسی که صبر کند و عفو نماید این از عزم امور است.»^۲

عزم به معنای وفای به عهد مانند: «و لقد عهدنا الی آدم من قبل فَنَسِيَ و لَمْ يَجِدْ لَهُ عِزْمًا»؛ ما با آدم از قبل عهد بستیم اما او فراموش کرد و بر سر پیمان خود نایستاد.^۳ در آیه ۷ سوره احزاب نیز خداوند متعال چند نفر از پیامبران را نام می‌برد که از آنان پیمان‌های محکمی گرفته است آنان عبارتند از: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام. از این پنج پیامبر به طور ویژه پس از آن نام می‌برد که قبلاً همه پیامبران الهی به صورت جمع نام برده است.

همچنین در آیه ۳۵ از سوره احقاف به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سفارش می‌کند که «صبر و شکیبایی مانند شکیبایی پیامبران اولوالعزم داشته باش».

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم که این پنج پیامبر دارای شریعت بوده‌اند: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنْ

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۰، ح ۱۳؛ مستند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹، ح ۳.

۲. شوری، ۴۳.

۳. طه، ۱۱۵.



الدين ما وصى به نوحاً و الذى اوحينا اليك و ما وصينا به ابراهيم و موسى و عيسى؛ خداوند برآى شما آيينى تشریح کرد که به نوح توصيه کرده بود و آن چه را بر تو وحى کرديم و بر ابراهيم و موسى و عيسى سفارش نموديم.^۱

همچنين در روايتى از امام سجاد عليه السلام آمده است که نوح و ابراهيم و موسى و عيسى عليهم السلام و محمد صلى الله عليه و آله و سلم پيامبران اولوالعزم هستند و به دين جهت به آنان اولوالعزم گفته شده است که به تمام مشرق و مغرب عالم (تمام جهانيان) و به جن و انس فرستاده شده اند.^۲

در حديث ديگرى نيز از امام صادق عليه السلام فرمود: «بزرگ پيامبران و رسولان پنج نفرند، آنان پيامبران اولوالعزم هستند و آسياب نبوت بر محور آنان مى چرخد که عبارتند از نوح، ابراهيم، موسى، عيسى عليهم السلام و محمد صلى الله عليه و آله و سلم».^۳

از مجموع بحث هاى گذشته مى توان مفهوم سخن امام هشتم عليه السلام رافهميد که فرمود علت نامگذاري آنان به اولوالعزم اين است که داراي شريعت و عزم هستند که مهم ترين و بزرگي پيامبران اولوالعزم مى باشد.

با توجه به آيات و روايات و بحث هاى گذشته مى توان گفت اولوالعزم كسانى هستند که داراي ويژگي هاى زير باشند:

۱ - داراي شريعت جديد و آيين تازه باشند (همان طور که در سخن امام هشتم عليه السلام آمده بود).

۲ - از آن جا که هر شريعت و آيين جديدى با مشکلات خاصى مواجه است و مخالفان بيشتري خواهد داشت نياز به عزم و اراده آهنين همراه با صبر و شكيبائي بيشتري خواهد بود.

۳ - عهد و پيمان هايبی که خداوند از اين عده گرفته است شديدتر و محکم تر از ساير پيامبران الهی است.

۴ - رسالت آنان جهاني است و به سوى شرق و غرب عالم فرستاده شده اند.

۵ - رسالت آنان جن و انسان، هر دو را در برمی گیرد.

۶ - آنان در ميان ساير پيامبران داراي برتری هستند و نبوت ساير پيامبران نيز بر محور آنان مى چرخد.

۷ - پيامبران اولوالعزم عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهيم، حضرت موسى، حضرت عيسى عليهم السلام، حضرت محمد صلى الله عليه و آله و سلم.



۱. شوری، ۱۳.

۲. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۵۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷۴، باب طبقات الانبياء و الرسل، ح ۳.

تعداد پیامبران اولوالعزم نیز طبق دیدگاه معروف میان دانشمندان اسلامی و استفاده از آیات و روایات همان پنج نفر می باشد.^۱

در آیات ۷ از سوره احزاب و ۱۳ از سوره شوری به این پیامبران اشاره خاص شده است، در روایات زیادی از جمله از: امام سجاد علیه السلام^۲، امام باقر علیه السلام^۳، امام صادق علیه السلام^۴ و روایات دیگر تصریح به پنج پیامبر بزرگ الهی شده است که آنان پنج نفرند: حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله.^۵ در روایتی نیز امام باقر علیه السلام از پیامبر نقل می کند که تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار نفر است که پنج نفر از آنان اولوالعزم بوده اند.

در سخنی از ابن عباس نیز پیامبران اولوالعزم را همین پنج نفر می داند.^۶

برخی از بزرگان نیز پیامبران اولوالعزم را در ضمن شعری معرفی کرده اند:

اولوالعزم نوح و الخلیل الممجد و موسی و عیسی و الحبيب محمد^۷

پیامبران اولوالعزم نوح و ابراهیم خلیل است و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله حبيب خدا.

مطابق توضیحات فوق هر یک از پیامبران دارای کتاب های آسمانی و شریعت بوده اند

که «قرآن کریم» کتاب آسمانی محمد صلی الله علیه و آله و «انجیل» کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام و «تورات» کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام است.

اما برای کتاب آسمانی حضرت نوح و ابراهیم به طور صریح نام خاصی نیامده است

ولی ممکن است از آیه ۱۹ سوره اعلی «صحف ابراهیم و موسی» استفاده کنیم که نام

کتاب حضرت ابراهیم و نوح هر یک «صحف» بوده است.^۸



۱. در برخی روایات تا عدد ۳۱۳ نفر نیز برای پیامبران اولوالعزم بیان شده است. (رک: سیوطی، دزالمشور، ج ۶، ص ۴۵).

۲. بحارالانوار، ج ۱۱، ۵۸ و ۵۶.

۳. مجمع البیان، ج ۹، ص ۹۴.

۴. همان و نیز اصول کافی، ج ۱.

۵. دزالمشور، ج ۶، ص ۴۵.

۶. آلوسی، روح المعانی، ج ۲۶، ص ۲۲.

۷. رک: مکرم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۳۶۳. همچنین می توان در این زمینه به تفسیر المیزان، ج ۴، ذیل آیه

۱۶۵ سوره نساء، ج ۱۸ ذیل آیه ۳۵ سوره احقاف و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۷۷ تا ۳۸۰ و ج ۴، ص ۳۱۴ مراجعه نمود.

آیا معراج پیامبر ﷺ قابل تکذیب است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «من كَذَّبَ بِالْمِعْرَاجِ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ»، کسی که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده است.

شرح: معراج از عروج به معنای بالا رفتن است و نیز به معنای سیر روحانی و معنوی آمده است و منظور از آن طبق آیات قرآن و روایات فراوان و معروف میان دانشمندان اسلامی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در مکه بود به قدرت پروردگار در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت المقدس که (فاصله آن بیش از یکصد فرسنگ است) رفته و در آن جابه آسمان ها صعود نموده تا آثار قدرت و عظمت پروردگار را در پهنه گیتی مشاهده نماید و همان شب نیز به مکه بازگشت.

این سیر با جسم و روح توأماً انجام گرفته است به خلاف دیدگاه برخی که آن را به معراج روحانی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی تفسیر کرده اند.

در دو سوره از قرآن به مسأله معراج اشاره شده است:

۱- در نخستین آیه سوره اسراء که می فرماید: «پاک و منزه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پربرکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست»^۱.

در این آیه دو نکته قابل توجه وجود دارد: یکی تعبیر «عبده» است که دلالت دارد این سیر جسمانی و روحانی با هم بوده است نه روح تنها و نیز دلالت می کند که این افتخار به خاطر مقام عبودیت و بندگی آن حضرت بوده است که بالاترین مقام برای انسان است. و دیگری تعبیر «لیلاً» است که نشان می دهد سیر پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و معراج آن در یک شب بوده است.

۲- در سوره نجم از آیه ۱۳ تا ۱۸ نیز به سیر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان معراج اشاره شده است که در تعبیری می فرماید: «ما زاغ البصر و ما طغی» (چشم پیامبر دچار خطا و انحراف و طغیان نشده) این عبارت که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله دچار خطا نشده است نشان می دهد که حادثه معراج در بیداری اتفاق افتاده است نه در خواب و حالت مکاشفه.

همچنین در روایاتی که متواتر و قطعی است، اصل موضوع معراج را امری ثابت و قطعی می داند و در روایاتی نیز ویژگی های معراج و مشاهدات پیامبر صلی الله علیه و آله را در آن شب مطرح می کند. بنابراین اصل معراج از نظر دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت قابل تکذیب و انکار



۱. شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص ۹۲؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱.
۲. اسراء، ۱.

نیست اگر چه برخی از مسائل آن در روایاتی ساختگی که مشتمل بر امور نامعقول است قابل تکذیب می باشد. از جمله این که پیامبر ﷺ خدا را آشکارا دید و با او سخن گفت که با اصول و معیارهای دینی و توحید سازش ندارد و با اهداف مهم این سیر معنوی نیز سازش ندارد زیرا هدف از این سفر آسمانی این نبوده است که پیامبر ﷺ خدا را در آسمان ها ببیند همان طور که برخی ناآگاهان این مسئله را مطرح کرده اند. بلکه هدف اصلی از معراج این بود که روح بزرگ رسول خدا ﷺ با مشاهده اسرار عظمت خدا در سراسر جهان هستی به ویژه عالم ملکوت، دید تازه و آگاهی کاملی بیابد تا بتواند با آن، رهبری و هدایت انسان ها را به خوبی برعهده بگیرد. در این جا شبهه ای مطرح است که چگونه عروج به آسمان ها با وجود نیروی جاذبه زمین، فقدان هوادری بیرون جو زمین و حالت بی وزنی و نیز اشعه های خطرناک ماوراء بنفش و اشعه ایکس ممکن است؟

برای پاسخ به این پرسش نکات زیر قابل توجه است:

- ۱- موانعی که برای معراج بیان شده امور محال و لاینحل نیستند و ما می بینیم که دانش امروز با پیشرفت های علمی سفر به فضا را ممکن می داند و سالانه فضانوردان با سفینه های مجهز، به سیارات مختلف مسافرت می کنند و این نشان می دهد که سفر به آسمان ها منع عقلی ندارد.
- ۲- مسأله معراج می تواند یک امر غیرعادی باشد مانند معجزات پیامبران که امری غیرعادی و وابسته به قدرت بی پایان خداوند است زیرا خداوند با نیروی نامحدود می تواند، پیامبرش را از اشعه های مرگبار نجات بدهد و مرکبی سریع السیر متناسب با این سفر فضایی در اختیار پیامبرش بگذارد، اما این مرکب «رفرف» یا «براق» یا چیز دیگری بوده است تنها در روایاتی بدان اشاره شده است ولی برای ما کاملاً ناشناخته است.
- ۳- مسأله معراج تنها عقیده مسلمانان نیست بلکه در میان پیروان ادیان دیگر نیز وجود دارد همان طور که درباره حضرت عیسی ﷺ در انجیل مرقس، باب ۶ و انجیل لوقا، باب ۲۴ و انجیل یوحنا، باب ۲۱ آمده است که پس از آن که به دار آویخته و دفن شد از میان مردگان برخاست و پس از چهل روز به آسمان ها عروج نمود. همان طور که خداوند برای حضرت موسی ﷺ و حضرت ابراهیم ﷺ و حضرت ادریس ﷺ نیز معراج قرار داده است. نتیجه این که جریان معراج پیامبر ﷺ امری قطعی است و قابل تکذیب نمی باشد و به همین جهت امام هشتم ﷺ فرمودند: «کسی که معراج را تکذیب کند رسول خدا ﷺ را تکذیب کرده است»^۱.



۱. جهت اطلاع بیشتر به تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴ تا ۳۵؛ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷ تا ۲۰؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۶، ۶۰۹ تا ۶۱۲.

طراوت قرآن

امام رضا علیه السلام فرمود: «انَّ الله تعالى لم يجعل القرآن لزمان دون زمانٍ ولاناسٍ دون ناسٍ فهو في كلِّ زمانٍ جديدٌ و عند كلِّ قومٍ غصٌّ إلى يوم القيامة»؛^۱
خداوند قرآن را برای زمان خاص و مردم خاصی قرار نداده است و در هر زمانی تازه و نزد هر جمعیتی باطراوت است.

شرح: همیشه این پرسش در اذهان وجود دارد که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال پیش در محیط خاص و در میان مردمی که عرب‌زبان بوده‌اند، نازل شده است. آن زمان ویژگی‌های خاص خود داشته و آموزه‌ها و پیام‌های خاصی را می‌خواسته و امروز ویژگی‌های خاصی دارد و شاهد پیشرفت‌های زیادی در علم و صنعت و مانند آن هستیم؛ پس قرآن چگونه برای عصر ما مفید است؟

امام هشتم علیه السلام با سخن پرمحتوای خود این پرسش را پاسخ می‌دهد که قرآن ساخته‌اندیشه و افکار زودگذر و متغیر بشر نیست تا با گذشت زمان کهنه و فرسوده گردد و برای مردم خاصی نیز نیست تا اگر آن مردم از بین رفتند محتوای قرآن و ارزش آن نیز از بین برود، بلکه از علم و دانش خداوند بزرگی سرچشمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی و کلام او هم مانند ذاتش جاودانه است، زبان آن اگر چه عربی است اما محتوای آن جهانی است، قوانین و پیام‌هایش همچون عدالت‌خواهی، احسان و ... منطبق با فطرت بشر است که همه انسان‌ها در هر زمان از آن بهره می‌برند و در هیچ زمانی کهنه نمی‌شود، به همین دلیل هر چه آن را بخوانند تازه‌تر و جالب‌تر است و محتوای آن همیشه طراوت دارد، اگر کسی همیشه قرآن را با فهم محتوای آن بخواند نه تنها احساس خستگی نمی‌کند بلکه لذت و انبساط به او دست می‌دهد و این یکی از نشانه‌های اعجاز و عظمت قرآن کریم است.

علت این که قرآن در همه عصرها باطراوت است ویژگی‌های خاصی است که در درون آن نهفته است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- هماهنگی قوانین قرآن با خواسته‌های طبیعی و فطری انسان و سایر موجودات و به قول معروف هماهنگی تشریح با تکوین.
- ۲- وجود لایه‌های پنهان در قرآن؛ قرآن دارای ظاهر و باطن است و در برخی روایات تا هفت بطن برای آیات آمده است و این ویژگی باعث شده است که آیات قرآن در هر زمان



مصادیق خاصی داشته و متناسب با هر زمان حرکت کند.

۳ - اعتبار بخشیدن به عقل: معتبر بودن عقل بدین معنا است که عقل می‌تواند در زندگی مردم نقش داشته باشد و عقلای یک جامعه می‌توانند برای برخی از مسائل زندگی اجتماعی خود قوانینی را وضع کنند مانند: قوانین راهنمایی و رانندگی، کنترل بازار، شهرسازی.

۴ - وجود قواعد و اصول حاکم: در قرآن کریم قواعدی وجود دارد که می‌تواند حاکم و ناظر بر قوانین دیگر باشد مانند «قاعده لاحرج»، «قاعده یسر و نفی عسر» و ... که اگر در موضوعی با اجرای حکمی حرج یا عسر، سختی یا بن بست باشد به وسیله این قواعد می‌توان موضوعات و احکام را از بن بست خارج کرد.



امامت سررشته دین

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الامامَ زمامَ الدین و نظامَ المسلمین و صلاحَ الدنیا و عَزَّ المؤمنین ، الامامُ أُسُّ الاسلامِ النَّامِی و فَرْعُهُ السَّامِی ، بالامام تمام الصلاة والزكاة والصیام والحج والجهاد»؛ امام سررشته دین و نظم دهنده امور مسلمانان و صلاح دنیا و بزرگ مندی مؤمنان است. امام بنیان و ریشه اسلام است، به واسطه امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می‌رسد.

شرح: امام به منزله قلب جامعه است هر چه قدر قلب سالم تر باشد بدن انسان سالم تر است و اگر در بدن انسان قلب نباشد، بدن هیچ ارزشی ندارد، اساساً جوامع بشری برای بقا و تداوم حیات خود نیازمند رهبر و پیشوای شایسته هستند، هر چه قدر این پیشوا سالم تر، عالم تر، شجاع تر و زیرک تر باشد جامعه را بهتر اداره می‌کند، امام در واقع همه جنبه های زندگی مادی و معنوی انسان را رهبری می‌کند، به همین جهت امام هشتم علیه السلام به مهم ترین ویژگی های اجتماعی و فردی پیشوای جامعه اشاره می‌کند که عبارتند از:

امام سررشته دین است، زیرا آگاه ترین فرد در دین، او می‌باشد که مطالب دینی باید از او گرفته شود، سخن و کردار امام علیه السلام به عنوان قانون زندگی هر مسلمان است.

امام نظم دهنده امور مسلمانان و صلاح دنیا است: همان طور که اشاره شد امام قلب جامعه است و قلب است که به سایر اعضای بدن خون می‌فرستد و رگ ها و شریان های حیاتی را زنده نگه می‌دارد و نظم و انضباط می‌بخشد و اگر قلب نباشد یا سالم نباشد نظام بدن از بین می‌رود و امام نیز در جامعه این چنین است، به حکومت، معاش، خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش و... نظم می‌بخشد.

امام عزت دهنده مؤمنان است: در جامعه و محیط نابرابر که پیشوای عادل ندارند، حق بسیاری از افراد به ویژه انسان مؤمن که شایستگی هایی نیز دارد ضایع می‌شود و چه بسا وی را خوار و به وی بی‌اعتنایی نمایند اما حکومتی که دارای امام عادل و شایسته باشد از مؤمنان به خاطر شایستگی های آن‌ها استفاده می‌کند و جایگاه حقیقی و اجتماعی خودشان را به آنان می‌بخشد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می‌فرماید: «امام عزت انسان مؤمن است».

امام ریشه اسلام، فزاینده و شاخه آن است. امام بنیان و ریشه اسلام است زیرا دین با اندیشه های امام هم چنان زنده و دارای حیات است. برخی از مقامات امام معصوم علیه السلام که می‌تواند به عنوان ریشه اسلام معرفی شود عبارتند از:



الف - امام جانشین پیامبر، در اجرای احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت است.

ب - تمام وظایفی که برای پیامبران است برای امام معصوم نیز هست.

ج - امام از سوی خدا و پیامبر تعیین می‌شود و همان فضایل و امتیازات پیامبر جز مقام نبوت را دارد، به همین علت اعتقاد به امام مانند اعتقاد به پیامبر در اصل شریعت لازم است. در هر صورت امام هم ریشه دین است و هم شاخه اسلام است که دائماً در حال فزاینده‌گی است زیرا رهبری‌ای که از جانب خداوند به او واگذار شده و دارای مقام عصمت و علم الهی است. اسلام را دائماً توسعه و گسترش می‌دهد.

عبادات از جمله نماز، زکات، روزه، حج و جهاد بدون امام و ولایت عبادتی ناقص خواهد بود، زیرا امام آگاهی کامل به این عبادات دارد و گفتار او نیز حجت است و طبق روایات متعدد اگر کسی تمام این اعمال را انجام دهد و ولایت نداشته باشد عبادات او ارزشی نخواهد داشت.

در جایی که دین از یک سو در معرض تهاجم و احکام آن در معرض اختلاف باشد و با وجود گروه‌ها و افراد منفعت‌جو و هواپرست، انگیزه‌ها برای تغییر و تحریف وجود داشته باشد و از سوی دیگر در مسائل و احکام دقیق و پیچیده امکان اشتباه در نقل و تفسیر، هویت دین را تهدید کند، وجود یک زمامدار و نگهبان حقیقی، دارای علم کامل در دین، برای حفظ دین ضروری می‌باشد.

اساساً دین اسلام هنگامی به عنوان یک دین کامل پاسخگوی نیازهای انسان تا پایان جهان می‌تواند مطرح باشد که در درون خود راهی برای تأمین مصالح ضروری جامعه تا ابد پیش‌بینی کرده و این راه‌چیزی جز نصب جانشین شایسته برای رسول خدا ﷺ نخواهد بود. جانشینی که دارای علم خدادادی باشد تا بتواند حقایق را با همه ابعاد و دقایقش بیان کند، دارای ملکه عصمت باشد تا تحت تأثیر انگیزه‌های نفسانی و شیطانی واقع نشود و مرتکب تحریف عمدی دین نگردد و نیز بتواند نقش تربیتی پیامبران را به عهده گیرد تا افراد مستعد را به عالی‌ترین درجه کمال برساند و نیز در صورت مساعد بودن شرایط اجتماعی، متصدی حکومت و تدبیر امور جامعه شود و قوانین اجتماعی اسلام را اجرا کند و حق و عدالت را در جهان گسترش دهد.^۱ به همین جهت است که عبادت‌ها در صورتی قابل اطمینان و کامل است که از منشأ و سررشته دین گرفته شده باشد نه از مصادری که احتمال خطا یا جعل یا تحریف در آن‌ها داده می‌شود، در نتیجه امام هم ریشه و بنیان اسلام است و هم شاخه‌های آن که قابل رشد هستند.



۱. رک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید (۲۰۱)، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

شناخت امامان

امام رضا علیه السلام درباره معرفت به امامان فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ کسی که بمیرد و امامان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

شرح: طرح مسأله امامت در شیعه، طرح شخصی نیست بلکه طرحی است برای حرکت فرد و جامعه به سوی کمال و سعادت و منظور، ارائه رهبران و الگوهای دینی و دنیایی مردم در تمام زمینه‌ها است، در زمینه عبادت، سیاست، اخلاق، قضاوت، نظام خانواده، وظایف فردی و اجتماعی و ... که توانمندان تا آینده انسان را ترسیم کنند به گونه‌ای که انسان می‌تواند تمام گفتار و کردار آنان را نصب‌العین خود قرار دهد. به همین جهت پیروی از آنان بدون شناخت امکان‌پذیر نیست، اگر آنان را نشناسیم حقیقت دین را نشناخته‌ایم و اگر کسی نداند دین چیست گویا دین ندارد. در زمان جاهلیت پیش از اسلام نیز مردم پیشوا و دینی نداشتند. نسبت به احکام و مسائل دینی نادان بودند و مردم در حالت کفر به سر می‌بردند تا این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور کرد و آن‌ها را نجات داد. راه نجات انسان‌ها پس از نبوت، بهره بردن از وجود امام معصوم علیه السلام است تا مردم را به دین صحیح هدایت کند، زیرا به اعتقاد شیعه امام آگاه‌ترین، عادل‌ترین فرد جوامع است، دارای مقام عصمت و تمام حرکات و سکنات او حساب شده و قابل‌الگو برداری است. شناخت چنین امامی است که باعث اعتقاد و ایمان به او و پیروی بی‌چون و چرای از او خواهد شد و بر همین اساس است که انسان تا سرحد فداکاری در راه آرمان‌های امام خود گام برمی‌دارد و مفاهیمی که در مضامین زیارت‌ها و دعا‌های شیعه آمده است عینیت پیدا خواهد کرد: «پروردگارا مرا از یاران و کمک‌کنندگان آن [امام] بزرگوار و کسانی که از آرمان‌های او دفاع می‌کنند و از پی انجام مقاصدش می‌شتابند و اوامرش را امتثال و از وی حمایت و به جانب اراده‌اش مشتاقانه سبقت می‌گیرند و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت می‌رسند قرار ده»^۲.

افزون بر آن که مسأله شناخت و اعتقاد عمیق به امام و امامت مقدمه حاکمیت «نظام الهی» است زیرا با شناخت امام زمان و پیروی از ایشان است که نظام الهی تحقق پیدا می‌کند و در غیر این صورت باید ناچار تن به یک نظام جاهل و رژیم غیراسلامی داد.^۳



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ب ۳۵.

۲. فرازی از دعای عهد، مفاتیح الجنان، ص ۱۰۵۰.

۳. زیرا برای حاکمیت، دو نظام کل قابل تصور است یکی نظام الهی با وجود پیامبران یا امام معصوم آن هم در صورتی که مردم شناخت به امام داشته باشند تا از امام خود پشتیبانی و پیروی نمایند و دیگری نظام جاهلیت و رژیم غیراسلامی و برخی مضمون حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» را همین می‌دانند. رک: صافی گلپایگانی، نظام امامت و رهبری، ص ۸ و ۹.

به همین جهت در روایات فراوانی دیده شده است که لازم است مردم شناخت حقیقی نسبت به امام زمان خود داشته باشند و امام هشتم علیه السلام نیز می فرماید: «اگر کسی امامان خود را به درستی نشناسد و بمیرد مانند زمان جاهلیت یعنی در حالت کفر و بی دینی مرده است». ما مردم شیعه که درباره امامت این همه اصرار به خرج می دهیم و از آیات قرآن و سنت نبوی و تجربه تاریخی در این باره دست بر نمی داریم برای همین حقیقت است یعنی لزوم و حتمیت صفاتی چند در پیشوا، از جمله شناخت کامل و قاطع [همراه با] ایستادگی و پایداری تا سر حد خون و شهادت. این عقیده (جز جنبه های الهی آن) والاترین آرمان است یعنی این که ما شیعیان برای بشریت جز پیشوای عادل و معصوم و عامل و صادق نمی پسندیم. در هر صورت اعتقاد به امامت وقتی ارزشمند است که پایه معرفتی داشته باشد در این صورت است که با هسته اصلی ایمان در می آمیزد و در جان انسان نقش می بندد.^۱

محقق معروف مصری «حامد حنفی» در این باره می گوید: «شیعه این شعله را در همه فراز و نشیب های تاریخی با خویشتن داشته است و این شور و گداز با گوشت و خون شیعه همچون خود ایمان در دل مؤمنان ممزوج گشته است. آری شیعه، مردمی مؤمن و صاحب مسلک اند و این ایمان از نوع تقلید و زبانی نیست؛ همین ایمان ژرف و مسلک اعتقادی که تنها شیعه آن را در همه قرن ها نگه داشته است، راز پشتکاری است که در دعوت آنان به چشم می خورد و در انفجارهای علمی پیاپی که در تألیف های آنان دیده می شود و در فریاد جاودان پایی که در نوشته های آنان همواره طنین افکنده است».^۲



۱. حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، ص ۸۵ و ۸۶.
 ۲. الرضوی، سیدمرتضی، مع رجال الفکر فی القاهره، ص ۸۰؛ حکیمی، همان.

گریه بر امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به شخصی (فرزند شیبب) فرمود: «ان بکیت علی الحسین حتی تصیر دُمُوعک علی خدیک غفر الله لک کُلّ ذنب اذنبته صغیراً کان أو کبیراً قلیلاً کان أو کثیراً»؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی تا این که اشکانت بر گونه هایت جاری گشت خداوند هر گناهی را که انجام داده ای کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد همه را می آمرزد.

شرح: مؤثرترین و غم‌انگیزترین حادثه جهان اسلام قیام امام حسین علیه السلام و حادثه کربلا است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. یکی از راه‌های ارتباط با سیدالشهدا علیه السلام شرکت در عزاداری و گریه بر آن حضرت است، از دو جهت بر ما مسلمانان لازم است با این جریان در ارتباط باشیم یکی از این جهت که حسین بن علی علیه السلام پیشوای مسلمانان و فرزند رسول خدا است و دیگری از این جهت که برای حفظ اسلام و امر به معروف و نهی از منکر جان خود را فدا نمود و به فیض شهادت رسید و با شهادت خود دین اسلام را حیات جدیدی بخشید و چراغ هدایت و شمع فروزنده جوامع گردید. به همین جهت در روایات فراوانی سفارش اکید شده است که بر حسین علیه السلام گریه کنید و گریه بر آن حضرت ثواب زیادی از جمله آمرزش جمیع گناهان را دارد، در این روایت نیز امام هشتم به فرزند شیبب سفارش می‌کند که اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی و اشکانت جاری شد تمام گناهانت آمرزیده می‌شود، شاید فلسفه آن در ارزش شهادت نهفته باشد.

زیرا آرمان شهید بالاترین آرمان هاست که هم با منطق عشق و هم با منطق اصلاح دینی و اجتماعی به استقبال شهادت رفته است. شهید خود می‌سوزد و جامعه‌ای را روشن می‌کند و هر قطره خونش وارد پیکر اجتماع می‌شود، آرمان‌ها، اهداف و اندیشه‌های او برای جامعه الگو می‌گردد، به همین علت است که استاد شهید مطهری می‌فرماید: «گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست».^۲

فلسفه گریه بر شهید بُعد جامعه‌شناختی آن است و آن، ارتباط شهید با جامعه خود است زیرا او برای نجات جامعه جان خود را از دست داده است و جامعه نیز از فیض یک انسان والا محروم مانده است لذا به جاست که پیروان شهید در فقدان امام شهید و شمع محفل تاریکی خود متأثر شوند. افراد جامعه با حالت گریه می‌توانند احساس کنند بیش



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۸، ۲۶۹، باب ۲۸، ح ۵۸.
۲. رک: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، ص ۹۰.

از هر حالت دیگر به محبوب خود نزدیک‌ترند، با گریه می‌توان با اهداف، اندیشه‌ها و آرمان‌های شهید پیوند برقرار کرد و با او پیمان بست که راهش ادامه داده می‌شود. امام حسین علیه السلام به خاطر شخصیت عالیقدرش، به واسطه شهادت قهرمانانه‌اش و خدمتی که به همه انسان‌ها کرده است مالک قلب‌ها و احساسات صدها میلیون انسان است.

راز بقای امام حسین علیه السلام این است که قیامش در خدمت انسانیت، دین و منطبق با خواسته‌های فطری بشر و رضایت معبود است به همین جهت باعث شده در عمق احساسات و عواطف افراد جامعه راه یابد، ائمه اطهار علیهم السلام که به گریه بر آن حضرت سخت توصیه کرده‌اند حکیمانه‌ترین دستورها را داده‌اند زیرا این گریه است که باعث می‌شود نهضت امام حسین علیه السلام، پایدار مانده و اهداف و پیام‌های آن در اعماق جان مردم نفوذ کند.

یادآوری می‌شود این که امام رضا علیه السلام فرمود تمام گناهان چه گناه کبیره یا صغیره، کم یا زیاد آموخته می‌شود اما این گونه نیست که حق الناس نیز آموخته می‌شود؛^۱ چرا که حق الناس تنها با ادای حقوق مردم و رضایت آن‌ها آموخته خواهد شد. نکته دیگر این است که این آموزه‌ها نباید افراد را به سوی گناه بیشتر بکشاند و باعث شود تا به گناه روی بیاورند و بعد بگویند با گریه و اشک ریختن بر حسین آموخته می‌شویم بلکه منظور تحول درونی است که باید با گریه و پیوند برقرار کردن با امام و شهید، راه او ادامه یافته و کمتر به سوی گناه بروند.



۱. مانند توبه که گناهان را می‌آموزد، اما حق الناس بر اساس ادای حقوق مردم آموخته خواهد شد.

سه روز هولناک

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: يَوْمَ يُولَدُ وَ يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَبْرئ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَمُوتُ فَيُعَايِنُ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا وَيَوْمَ يُبْعَثُ فَيَبْرئ احكاماً لَمْ يَبْرها فِي دَارِ الدُّنْيَا»؛ وحشتناک‌ترین حالت برای مخلوق سه زمان است: روزی که از شکم مادر متولد می‌شود و دنیا را می‌بیند و روزی که می‌میرد و عالم پس از مرگ و اهل آن را مشاهده می‌کند و روز رستاخیز که بار دیگر زنده می‌شود و احکامی را می‌بیند که در دنیا ندیده بود.

شرح: در این روایت امام هشتم علیه السلام به سه روز خطرناک و سرنوشت‌ساز در زندگی انسان‌ها اشاره می‌کند که هر سه روز آغاز فصل نوینی برای انسان می‌باشد و سلامتی در آن‌ها بسیار مهم است که جز به لطف خداوند میسر نمی‌شود آن‌ها عبارتند از:

۱- روز تولد: یکی از روزهای هولناک زندگی انسان که کسی به یاد نمی‌آورد زمانی است که نوزاد از عالم جنین به عالم دنیا منتقل می‌شود و یکباره به یک محیط ناآشنا یعنی عالم دنیا وارد می‌شود که به او هیجان و اضطراب دست می‌دهد به همین علت نوزاد هنگام تولد دارای اضطراب و گریه شدید است.

۲- روز مرگ: یکی از حالات بسیار سخت و وحشتناک انسان زمان مرگ است، حالاتی که هنگام مرگ وجود دارد هیجان و اضطراب فوق‌العاده شبیه حالت مستی است که انسان احساس می‌کند در حال انتقال به جهان ناشناخته دیگری است و در قرآن از آن به «سکرۃ الموت» تعبیر می‌کند: ﴿ وَ جَاءتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ﴾^۱ سرانجام سکرات مرگ فرا می‌رسد. از روایات استفاده می‌شود که حتی پیامبران و مردان بزرگ الهی که از آرامش روحی خاصی برخوردارند از هیجان‌ات هنگام احتضار بی‌نصیب نیستند. در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که در لحظات آخر عمر مبارکش دست در ظرف آبی می‌کرد و به صورت می‌کشید و «لا اله الا الله» می‌گفت و می‌فرمود: «إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكْرَاتٍ» مرگ دارای سکرات است.^۲

همچنین حالت دیگری در زمان مرگ وجود دارد که حالت بسیار سخت و شدیدی است و به آن «غمرات» به معنای شداید مرگ می‌گویند.^۳

۱. حوزوی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۳۵، ح ۷۵.

۲. ق، ۱۹.

۳. تفسیر روح البیان، ج ۹، ص ۱۱۸.

۴. در آیه ۹۳ سوره مبارکه انعام قرآن آمده است «و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت» «هنگامی که ببینی این ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند».



امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «مرگ شداید و سختی‌هایی دارد شدیدتر از آن چه در وصف بگنجد یا با معیار عقل مردم دنیا سنجیده شود»^۱.

پیدایش چنین حالتی در لحظه مرگ، یا به خاطر آن است که در اثر انتقال از جهانی به جهان دیگر که از جهات مختلف ناشناخته است، به انسان حالت هیجان دست می‌دهد، یا به خاطر مشاهده اوضاع و شرایط بعد از مرگ و قرار گرفتن در برابر نتیجه اعمال و ترس از سرنوشت است، یا به خاطر جدایی از دنیا و افراد و نزدیکان و اشیاء مورد علاقه انسان است.^۲

۳ - روز رستاخیز: یکی از روزهای هولناک مراحل زندگی انسان روز رستاخیز است روزی که مردگان بار دیگر جهت حسابرسی اعمال زنده می‌شوند، این همان روزی است که همه از قبرها سراسیمه و شتابان خارج می‌شوند در حالی که چشم‌های آن‌ها از شدت وحشت به زیر افتاده و پرده‌ای از ذلت و خواری آن‌ها را پوشانده است و این همان روز وحشتناکی است که قرآن می‌فرماید: «مادران شیرده کودکان شیرخوار خود را فراموش می‌کنند و هر زن بارداری حمل خود را بر زمین می‌گذارد و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدیدتر است»^۳.

و قرآن نیز این سه روز را در زندگی بسیار مهم و بحرانی می‌داند به همین جهت خداوند در این سه روز برای حضرت یحیی علیه السلام سلامت و عافیت می‌خواهد و می‌فرماید: ﴿و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا﴾^۴؛ و سلام بر یحیی آن روز که تولد یافت و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود.

چنانچه حضرت عیسی علیه السلام نیز برای خود درخواست سلامتی در این سه روز می‌کند، چرا که سلامت در آن‌ها جز به لطف خدا میسر نمی‌شود و از خداوند باید استمداد نمود که ما را نیز در این زمان‌های بحرانی و هولناک به سلامت به سرمنزل مقصود برساند.



۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۸۹.

۲. رک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۳۲.

۳. معارج، ۴۳ و ۴۴.

۴. مریم، ۱۵.

۵. مریم، ۳۳.





زندگی و خانواده

هدف و زندگی

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَإِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»؛ برای دنیای خود به گونه‌ای عمل کن گویا همیشه می‌خواهی بمانی و برای آخرت آن چنان عمل کن گویا فردا خواهی مرد.

شرح: در این جهان هستی هیچ چیزی بی‌هدف نیست، زیرا خالق آن حکیم است و کار عبث و بیهوده از او امکان ندارد. آیات فراوانی از قرآن از جمله «آیة ۱۹۱ سوره آل عمران، آیة ۳۸ و ۳۹ سوره دخان، آیة ۲۷ سوره ص و ...» هدفمند بودن کل جهان هستی را بیان نموده و مخصوصاً در آیاتی از جمله آیة ۱۱۵ سوره مؤمنون و آیة ۲ سوره ملک و ... آفرینش و زندگی انسان را دارای هدف، و هرگونه عبث و بیهودگی را در آفرینش آن نفی می‌نماید.

امام علی علیه السلام نیز در سخنی می‌فرماید: «خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشت»^۱.

آن چه مهم به نظر می‌رسد شناخت هدف صحیح زندگی است و این که انسان بدانند برای چه آمده است و به کجا می‌رود؟ و به قول شاعر:

همه روز فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخرنمایی و وطنم

در هر صورت شناخت هدف صحیح برای زندگی از عوامل نشاط، شادابی و تلاش برای زندگی است چنان که عدم آگاهی از هدف زندگی موجب افسردگی و چه بسا پوچی در زندگی شود، آیا دنیا می‌تواند هدف اصلی برای زندگی باشد؟ یا آن را مقدمه‌ای برای یک زندگی طولانی و برتر بدانیم؟ به تعبیر دیگر آیا مقصود از زندگی تنها خوردن، آشامیدن و شهوت است یا هدف آخرت و رسیدن به کمال انسانی و رحمت الهی است. در نتیجه دنیا ابزاری برای کسب آخرت می‌باشد. کسانی که هدف صحیحی برای زندگی نیافتند به پوچ‌گرایی رسیده و همین دنیا را آخرین خط و سرمنزل مقصود دانسته و سرانجام دست به خودکشی زده‌اند. در مقابل کسانی که به هدف صحیح دست یافتند، در دنیا تلاش و



۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۹.

۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۶۳.

کوشش فراوان نموده و هیچ وقت دست از تلاش و کوشش برنداشته بلکه تلاش‌های خود را در دنیا جهت‌دار کرده‌اند، رنگ و بوی الهی و اخروی به کارها داده‌اند، و به بالاترین سعادت‌ها رسیده‌اند و نام خود را در زمره نام‌آوران تاریخ ثبت کرده‌ند به همین جهت امام رضا علیه السلام زندگی را دارای هدف صحیح می‌داند، اما برای رسیدن به این هدف دو نوع برنامه‌ریزی را بیان می‌کند، هم باید برای زندگی دنیا برنامه‌ریزی کرد و هم آمادگی لازم برای آخرت پیدا نمود، زندگی دنیا و آسایش آن نیاز به انضباط، محکم‌کاری و تلاش دارد، مسلمان می‌تواند در دنیا خوب زندگی کند، نیازهای خود و خانواده را برطرف نماید، اما این کار به یک برنامه دقیق و منظم و صحیح نیاز دارد، مسلمان نباید عمر و وقت خود را بیهوده هدر دهد بلکه باید از تمام اوقات زندگی بهره‌بردار، با ناامیدی زندگی کردن، به خاطر این که انسان روزی از این جهان می‌رود، همچنین وجود امور ناپایدار مانند: مرگ، شکست بر هدف‌ها، نرسیدن به برخی از آرزوها، شرایط اجتماعی نامناسب و ... نباید انسان را به پوچ‌گرایی و بی‌هدفی بکشاند. این تصور فرهنگی غلط است، سستی و تنبلی و کسالت به همراه می‌آورد، انسان هر چه به دست می‌آورد مرهون تلاش و کوشش است، انسان‌های موفق در تمام شبانه‌روز، دارای نظم بوده و با تلاش‌های مثبت و مفید به یک زندگی صحیح رسیده‌اند. برنامه دیگر انسان آمادگی برای آخرت است، مسلمان نسبت به مسائل دینی و معنوی باید آن قدر حساس باشد که اگر فردا از این جهان رخت بر بست دارای توشه باشد و به غضب و خشم الهی گرفتار نشود و این نیاز به برنامه‌ریزی دارد، عبادت‌ها را به موقع انجام دهد، عبادت‌ها را با ریاکاری و زهد دروغین نابد نکند، حقوق دیگران را رعایت کند، گناه نکند، اگر مبتلا به گناه شد با استغفار و توبه حقیقی دامن خود را از گناه شست‌وشو دهد، اگر حقی از مردم به گردن دارد، ادا کند، نقاط تاریک و مبهم زندگی خود را با کارهای نیک تبدیل به روشنایی نماید، چنان اهمیت به این مسائل بدهد که اگر فردا بمیرد آخرت او نیز با سعادت همراه باشد.



برنامه های اساسی زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله؛^۱ بر شما باد به پارسایی، ترس از خدا و کوشش در طاعت و بندگی و ادای امانت و راستگویی و حسن هم‌جواری، این‌ها اساس رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

شرح: رعایت برنامه‌های اساسی مانند نظم در زندگی، موجب موفقیت بیش از پیش انسان است، برنامه‌های اساسی در دین زیادند. امام هشتم علیه السلام به چهار برنامه ارزشمند زندگی که بر اساس رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان شده است، اشاره می‌نماید تا افراد بتوانند خود را با دین اسلام هماهنگ نموده و زندگی بهتری داشته باشند.

۱ - تقوا و ترس از خدا: یکی از مهم‌ترین رازهای سعادت در دنیا و آخرت، پرهیزکاری و ترس از خدا است که با دوری از گناهان و تلاش در عبادت و بندگی که همراه با عمل صالح است به دست می‌آید.

۲ - ادای امانت: یکی از ویژگی‌های خوب برای هر مسلمانی امانت‌داری و بازگرداندن امانت به صاحب اصلی آن می‌باشد. مسلمان باید در جامعه مورد اعتماد و تکیه‌گاه افراد مختلف باشد و منظور از این امانت تنها امور مادی نیست، بلکه شامل راز و گفتار محرمانه نیز می‌شود. این یک وظیفه الهی است که قرآن نیز به آن امر کرده است^۲، اگر هر مسلمانی به این وظیفه عمل کند. زمینه امنیت عمومی به ویژه امنیت اقتصادی در جامعه فراهم می‌شود.

۳ - راستگویی: از مهم‌ترین فضیلت‌ها و صفات نیک هر مسلمان راستگویی است، راستگویی در نجات انسان‌ها بسیار مؤثر است، زیرا زمینه انجام کارهای صحیح، رسیدن به هدف، ثبات فکری و عملی خواهد بود، همچنین راستگویی نشانه سلامت انسان و مطابق بودن پندار با گفتار یا ظاهر با باطن است به خلاف استفاده از دروغ که حرکت از بی‌راهه و کار انسان‌های ضعیف و ناتوان است.

۴ - رعایت حق همسایه: از سفارشات اکید اسلام حسن هم‌جواری و رعایت حق همسایه است، رفتار پسندیده و معاشرت نیکو با همسایه موجب جلب محبت آن‌ها خواهد شد. کمک کردن به همسایگان از مهم‌ترین وظایف هر مسلمان است و چون



۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۲. نسا، ۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾.

انسان موجودی اجتماعی است و زندگی همواره با مشکلات و سختی‌ها همراه است، انسان‌ها به کمک یکدیگر نیازمندند و چه کسی بهتر و نزدیک‌تر از همسایه خواهد بود، نیک رفتاری باعث ارتباط، پیوند مستحکم، رفت و آمد و از بین رفتن احساس تنهایی و غربت خواهد بود.



تلاش برای زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمَ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد، تا هزینه خانواده خود را تأمین کند پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند.

شرح: هر مسلمانی برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای زندگی خود باید تلاش کند تا به مردم نیاز نداشته باشد. از نظر اسلام کار و تلاش برای زندگی عبادت است. انسانی که اهل تلاش و کوشش است همه او را دوست دارند، خداوند او را دوست دارد و میان مردم محبوب است، اساساً به دست آوردن یک زندگی خوب و آبرومند در پرتو کوشش‌های خوب و مثبت انسان است. تنبلی، سستی، کسالت، خود را ناتوان تصور کردن با روح ایمان سازگاری ندارد.

این حقیقت را نباید پنهان داشت که مسلمان هرگز در درون خود راضی نمی‌شود در خانه بنشیند و سربار مردم باشد و دیگران نیازهای زندگی او را تأمین کنند و اگر کسی این تفکر را داشته باشد که من در خانه می‌نشینم و مشغول عبادت می‌شوم و دست به دعا برمی‌دارم و خداوند نیز روزی من را می‌رساند اندیشه‌ای باطل است و با عزت انسان و ایمان سازش ندارد.

انسان در حد توان باید به خود متکی باشد اگر چه برای کسب و به دست آوردن روزی به شهرهای دوردست سفر کند.

نکته قابل توجه این است که انسان مسلمان در نوع طلب معیشت و زندگی باید اهمیت دهد و زندگی او از کسب حلال باشد. نه از هر جا و از هر راهی به دست آید، کار و زندگی نباید از راه حرام باشد، زیرا درآمد و غذای حرام، در اندیشه، عقاید، آینده فرزندان و زندگی روزمره، تأثیرات منفی خواهد گذاشت و انسان به گناه و فسق مبتلا خواهد شد، در نتیجه زندگی برکت و رشدی نخواهد داشت و حتی انفاق از مال حرام نیز بی‌نتیجه و بی‌پاداش خواهد بود.

به همین جهت امام رضا علیه السلام در یک درس بزرگ به ما می‌آموزد کسی که به امید روزی و فضل پروردگار به دنبال روزی [حلال] می‌رود تا خانواده خود را تأمین کند و نیازمند دیگران نباشد، عمل وی از بهترین عبادات است و پاداشش نزد خداوند بیش از کسی است که در راه خدا جهاد و مبارزه کند.



مهربانی با خانواده

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِيهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي»؛ کسی ایمانش بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من مهربان‌ترین فرد نسبت به خانواده‌ام هستم.

شرح: ایمان دارای مراتبی است که در این روایت به دو مرتبه آن اشاره شده است یکی اخلاق نیکو با مردم و دیگری مهربانی با خانواده.

اخلاق نیکو از بهترین عباداتی است که اسلام به آن سفارش می‌کند تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکی از اهداف بعثت خود را تکمیل اخلاق می‌داند، اخلاق خوب از عوامل ورود به بهشت، آبادی خانه‌ها و طولانی شدن عمر برشمرده شده است^۱، کسی که دارای اخلاق خوب است شاهد زندگی و آب زلال حیات را گوارا درک می‌کند، دارای آرامش روحی هست، که دیگران را شیفته خود می‌سازند. در مقابل افراد بد اخلاق باعث شکنجه خود، دوستان، اطرافیان و بستگان می‌شوند و بزرگ‌ترین شکنجه‌ها را خود می‌بینند، زندگی همواره برای آنان تلخ، عمرشان کوتاه، انسان‌های دیگر از اطراف او پراکنده و جسمشان در عذاب است.

مهربانی با خانواده رتبه دیگری برای ایمان است که در تداوم و آرامش زندگی نقش اساسی دارد. بسیاری از مردم اخلاق و رفتار آن‌ها در اجتماع خوب است اما اخلاق و رفتار آن‌ها با خانواده مطلوب نیست، همسر و فرزندان وی از دست آن‌ها راضی نیستند. مرد باید بداند که زن مانند مرد برخوردار از انسانیت و روح کامل انسانی و اراده و اختیار است و خداوند او را در مسیر تکامل آفریده است در نتیجه برای برخورداری از زندگی خوب و مهربانی با همسر بر نکات زیر تأکید می‌شود:

۱- انسان باید محبت به زن را اظهار کند که اظهار محبت زندگی را از سردی می‌رهاند و در حدیث وارد شده است که اگر مرد به همسر خود بگوید دوست دارم هرگز از دل او بیرون نمی‌رود و به فرزندان نیز باید محبت داشت و آن‌ها را بوسید که خوشحالی آن‌ها خوشحالی انسان در روز قیامت است.

۲- به شخصیت زن احترام گذاشته و او را شریک زندگی و مربی فرزندان خود بداند.

۳- تندخویی و درشت‌گویی با فرزندان آثار بدی از جمله تربیت نامطلوب اجتماعی در

۱. عبود اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، صحیفه الرضا علیه السلام؛ ص ۱۲، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸، ح ۳۴. ۲. شبز، عبدا...، اخلاق، ص ۲۵ تا ۲۷، ترجمه محمدرضا جباران (موسسه انتشارات هجرت).



بر خواهد داشت.

۴ - احترام به همسر باید همراه با رعایت حقوق زن باشد و توجه به این نکته لازم است که وظایفی همچون غذا پختن، لباس شستن، نظافت خانه که عرفاً متداول است از وظایف اخلاقی زنان است نه حقوق مردان.

۵ - نارسایی و عیوبی که گاهی در کارها پدید می‌آید به رخ همسر کشیده نشود و حتی در برابر بداخلاقی زن باید صبور بود و در زمانی که زن در خانه خسته است باید مرد با او مدارا نموده و اخلاق و رفتاری متناسب با نیاز روحی وی انجام دهد و با لطافت در زندگی برخورد نماید.

نکات فوق ما را متوجه آثار اخلاق نیک و مهربانی با خانواده می‌نماید که چه قدر می‌تواند در ایمان تأثیر داشته باشد که امام هشتم علیه السلام نیز این دو موضوع را از ویژگی‌های ایمان بهتر شمرده‌اند.



نیکی به پدر و مادر

امام رضا علیه السلام فرمود: «بِأَوْلَادِهِمْ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانُوا مُشْرِكِينَ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ خوش رفتاری با پدر و مادر اگر چه مشرک باشند واجب است اما پیروی از آنان در امر حرام و گناه صحیح نیست.

شرح: یکی از زیباترین آموزه‌های دین اسلام نیکی به پدر و مادر است، رعایت حقوق والدین آن قدر مورد اهمیت است که در آیاتی از قرآن، پس از دعوت به توحید و پرستش خداوند و دوری از شرک، انسان‌ها را به رفتار نیک با پدر و مادر دعوت می‌کند.

وظیفه هر مسلمان این است که به پدر و مادرش نیکی کند، با آنان بهترین رفتار را داشته باشد بلکه باید نهایت تلاش در گرامیداشت آنان داشته باشد به گونه‌ای که بال و پر مهربانی و محبت برای آنان بگستراند و شایسته نیست هیچ گونه کوتاهی در خدمتگزاری آنان بنماید، رعایت حقوق والدین آن قدر مهم است که حتی اگر آن دو کافر و مشرک نیز باشند احترام آن‌ها واجب و لازم است. به همین جهت امام هشتم علیه السلام در جمله کوتاه خود، از نکات مهم دینی خوش رفتاری و نیکی به پدر و مادر را از نکات مهم دینی بیان می‌کند، اگر چه آن دو مشرک باشند.

مطالب مهم و ظریفی درباره نیکی به پدر و مادر وجود دارد که رعایت آن‌ها موفقیت‌های زیادی در طول زندگی برای انسان به ارمغان می‌آورد:

۱ - در چهار آیه از سوره‌های مختلف قرآن (انعام/ ۱۵۱، نساء/ ۳۶، اسراء/ ۲۳ و بقره/ ۸۳) بعد از مسأله توحید و دعوت به یگانگی و پرستش خداوند، سفارش نیکی به پدر و مادر می‌کند و این هم‌ردیف بودن می‌رساند که قرآن تا چه اندازه برای پدر و مادر ارزش قائل است.

۲ - در برخورد و نوع سخن گفتن صدای خود را نباید بلندتر از صدای پدر و مادر برد.

۳ - با آنان به نرمی و نیکی سخن بگویند نه با تندوی و فریاد زدن.

۴ - سخن تند، توهین‌آمیز، حرف‌های بی ادبانه، به تعبیر قرآن «اف گفتن» در برابر آنان جایز نیست.

۵ - هنگام راه رفتن جلوی آنان راه نرود و حتی قبل از آنان ننشیند.

۶ - احسان به والدین را بی واسطه به دست خود انجام دهد.

۷ - فرزند در هر موقعیت و مقامی که باشد باید در مقابل والدین متواضع و فروتن باشد، مقام و موقعیت خود را نمی‌تواند به رخ بکشد و حتی می‌توان گفت هر چه دارد از آنان



- است و نباید فراموش کند که اصل و ریشه وی از همین پدر و مادر است.
- ۸ - نکته قابل توجه که امام هشتم علیه السلام نیز بدان اشاره دارد این که در احسان به والدین، مسلمان یا خوش اخلاق بودن آنان شرط نیست بلکه حتی اگر مشرک یا بد اخلاق باشد باز هم احترام و احسان به آنان لازم است.
- ۹ - فرمانبرداری از پدر و مادر اگر چه لازم است اما اگر در مسیر شرک و کفر بر خلاف دستورات دین دستوری صادر کنند همان طور که امام رضا علیه السلام فرمود، نباید از آنان پیروی نمود.
- ۱۰- میان حکم و فرمان هر یک از پدر و مادر تفاوتی نیست.



ارتباط با خویشاوندان

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسَأَلَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ»؛ کسی که دوست دارد عمر طولانی داشته باشد و روزی اش بیشتر گردد صلّه رحم نماید و به خویشاوندانش رسیدگی کند.

شرح: نزدیک‌ترین افراد به انسان خویشاوندان هستند. رابطه آن‌ها با یکدیگر از نظر اسلام از مهم‌ترین وظایف اجتماعی و به عنوان یک وظیفه دینی تلقی می‌شود که هیچ قانون اخلاقی دیگر جایگزین آن نمی‌شود. محبت، تعاون، همکاری با خویشاوندان باعث نزدیک‌تر شدن افراد و نسبت‌ها به یکدیگر می‌شود.

صلّه رحم یک حرکت انسان دوستانه است که قرآن و روایات نسبت به آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است، فلسفه آن، پیوند بزرگ اجتماعی مسلمانان است. چرا که همیشه برای اصلاح، تقویت و عظمت بخشیدن به یک اجتماع بزرگ از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز اخلاقی و معنوی باید از واحدهای کوچک آغاز کرد، با اصلاح و تقویت خانواده‌ها، جامعه بزرگ مسلمانان نیز اصلاح و تقویت خواهد شد. اسلام از این برنامه بهره کافی برده، دستور داده است افراد با خویشان خود به هر نحو ممکن حتی با جرعه‌ای از آب ارتباط برقرار کنند، اسلام به تقویت مجموعه‌ای توصیه می‌کند که خونشان در رگ و پوست یکدیگر در گردش است و فطرت آن‌ها نیز بدان گرایش دارد، صلّه رحم افزون بر آرامش روانی و اجتماعی در زندگی باعث برکات فراوانی است، رسیدگی به نزدیکان، حل مشکلات آنان، آبادی و عمران شهرها، طولانی شدن عمر، زیادی روزی و ... از جمله آن‌ها است. امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق به دو اثر از آثار ارزشمند صلّه رحم اشاره دارند؛ یکی طولانی شدن عمر و دیگری زیادی رزق.







اخلاق

فروتنی

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَّاضُعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَا»؛ تواضع در برابر مردم آن است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند تو به دیگران ببخشی.

شرح: یکی از آداب معنوی و اخلاقی، تواضع و فروتنی است که نشانه کمال انسان است زیرا هر چه فرد کامل تر باشد تواضع و خاکساری اش افزون تر خواهد بود. بیشتر کسانی که تکبر می ورزند به خاطر کمبودها و ضعف هایی است که می خواهند با خودنمایی بر آن سرپوش نهند.

تواضع گاهی در برابر خداست که در عبادت تجلی پیدا می کند، حالت سجده، رکوع، سحرخیزی برای عبادت بهترین حالات تواضع در برابر خداست و گاهی در برابر مردم است مانند سلام کردن بر دیگران، پاسخ دادن به خواسته ها و نیازها، هم نشینی با مردم عادی و فقرا، هدیه ها و بخشش ها و ...

امام هشتم علیه السلام می فرماید: تواضع و فروتنی در برابر مردم این است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند به دیگران ببخشی. انسان دوست دارد اگر دیگران می خواهند چیزی به او بدهند زاید بر زندگی، دور ریختنی و فاسد نباشد بلکه دوست داشتنی، زیبا، ارزشمند و قابل استفاده باشد. بنابراین خود انسان نیز اگر می خواهد به دیگری چیزی بدهد شایسته است همین ویژگی ها را دارا باشد.

لازم به یادآوری است که تواضع و بخشش بیش از حد، هر دو آفات مخصوص به خود دارند. تواضع تا حدی خوب است که برای رضای خدا باشد و به ذلت و خواری شخص نیجامد. همچنین مورد سوءاستفاده متکبران واقع نشود و بخشش نیز تا حدی خوب است که انسان در زندگی محتاج دیگران نشود.



نیمی از عقل

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ»؛ محبت به مردم نیمی از عقل انسان است.

شرح: بخشی از یک زندگی خوب و موفقیت‌آمیز برخوردهای معقول و خردمندانه انسان در زندگی شخصی و در برابر افراد مختلف جامعه است، تدبیر خردمندانه با مشکلات در زندگی شخصی، زندگی را لذت بخش و هموار نموده و برای اعضای خانواده آسایش به همراه دارد، اما یک بخش مهم زندگی برخورد صحیح با مردم جامعه است. بسیاری از مردم در زندگی روزمره با مشکلات مختلفی مواجه هستند، افزون بر آن که افراد جامعه نیز متفاوتند، همه یک جور نیستند، برخی دانشمند، برخی نادان، برخی ثروتمند، برخی صالح، برخی ناصالح، برخی با صبر و حوصله، برخی کم‌ظرفیت، عصبی و تندخو هستند در نتیجه برخوردها باید حساب شده، دقیق و منطبق با عقل و موازین اسلامی باشد، عقل و دین ما را به برخورد محبت‌آمیز دعوت می‌کند، عقل به ما می‌گوید در برخورد با مردم خوش رو، خوش خو و خوش زبان باش. آیات و روایات نیز ما را دعوت به نیکوکاری، برخورد شایسته با روی باز به دور از مجادله و سخنان ناشایست می‌کند.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق به برخورد خردمندانه با مردم جامعه اشاره می‌نماید و محبت به مردم، اظهار دوستی نسبت به آنان را نیمی از عقل و خرد انسان می‌داند. محبت می‌تواند نقش سازنده برای خود فرد و آرامش اجتماعی برای مردم داشته باشد و حتی از همیاری و همفکری آنان نیز استفاده نماید. محبت یک اصل کلی است که گاهی با برطرف کردن مشکل، گاهی با همفکری و مشاوره، گاهی با خوش‌زبانی و همدلی، گاهی با خوش‌رویی و مانند آن امکان‌پذیر است و این همان معاشرت خوب با مردم است که نشانه خردمندی و عقل سلیم انسان است.



دوست و دشمن

امام رضا علیه السلام فرمود: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ»؛ دوست هر انسانی خرد او و دشمنش نادانی او است.

شرح: انسان در زندگی نیاز به همراه، یاور و دوست خوب دارد. دوست انسان، گاهی فردی آگاه، با ایمان و خیرخواه است، و گاهی از اولیای الهی است. گاهی کتاب و گاهی چیز دیگر. امام هشتم علیه السلام در این روایت می‌فرماید: «دوست هر انسانی که می‌تواند یاور همیشگی و خوبی برای انسان باشد عقل انسان است. عقل ابزار تفکر و علم است. عقل ثمره‌ها و میوه‌های خوبی می‌تواند داشته باشد، انسان را به دانش برساند، از افراط و تفریط جلوگیری نماید، همیشه سبز روح و سبز رو و منشأ خیر باشد. در مقابل چنین دوستی انسان یک دشمن نیز دارد و آن جهل و نادانی هر فرد است. نادانی ریشه هر بدی می‌تواند باشد، به فرد و جامعه آسیب برساند. انسان جاهل همیشه یا در افراط یا در تفریط به سر می‌برد و انسان را به مشاجرات، مناظرات، ردائیل اخلاقی می‌کشاند و به تعبیر زیبایی از امام علی علیه السلام جاهل سنگی است که هرگز آب از آن جاری نمی‌شود و درختی است که شاخه‌هایش سبز نمی‌گردد و زمینی است که گیاهی از آن نمی‌روید».^۲

پس بکوشیم که با به کار بردن عقل، علم و دانش را کسب نموده و جهالت و نادانی را از خود دور کنیم تا زندگی فردی و اجتماعی سالمی داشته باشیم.



۱. تحف العقول، ص ۸۰۴.

۲. غرر الحکم، ح ۲۰۸۱.

سه چیز مبغوض خداوند

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُغِضُّ الْقَيْلَ وَالْقَالَ وَإِصَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ»؛ خداوند جدال (قیل و قال) و از بین بردن مال و درخواست زیاد از دیگران را دشمن می‌دارد.
شرح: در حدیث فوق سه چیز موجب خشم خداوند معرفی شده است:

۱ - جدال در سخن: سخن معقول و منطقی اگر چه کم و همراه با سکوت باشد، شخصیت و هیبت انسان را بالا برده و موجب موفقیت خواهد بود، جر و بحث و قیل و قال هنگام بحث و گفتگو که از آن تعبیر به مرء و جدال می‌کنند نه تنها موفقیت نمی‌آورد بلکه باعث درگیری بین دو طرف و تحریک خشم و قوه غضب انسان می‌شود زیرا هر طرف تلاش می‌کند سخنان خود را برتر بداند همچنین لجاجت و تحقیر یکدیگر را به دنبال خواهد داشت.

۲ - ضایع کردن اموال: بیهوده مصرف کردن و از بین بردن اموال و یا اسراف، کاری است که هیچ عقل و خردی آن را نمی‌پسندد، در واقع بی‌توجهی به نعمت الهی و در نتیجه کفران نعمت خواهد بود. انسان در مصرف اموال نه مصرف‌گرای افراطی باشد که اموال خود را تباه کند و نه در هزینه‌کردن دست تنگ و بخیل بلکه باید حد اعتدال و میانه را رعایت نمود.

۳ - درخواست از دیگران: برخی برای رفع نیازمندی خود شخصیت خود را در مقابل افراد دیگری که خود نیازمندند کوچک می‌کند و با بردن تقاضاهای غیرضروری به نزد این و آن خود را وابسته و نیازمند می‌سازند و شخصیت انسانی خود را درهم می‌کوبند. هر درخواست مساوی است با سبک نمودن و خواری شخصیت انسان. بهترین درخواست باید از کسی باشد که بی‌نیاز کامل است و او خدا است نه انسانی که تمام وجودش فقر محض می‌باشد. بدین جهت امام هشتم علیه السلام می‌فرماید: یکی از چیزهای مبغوض نزد خداوند درخواست از دیگران است و اسلام دستور می‌دهد تا آن جا که انسان توانایی دارد روی پای خود بایستد و از زندگی «اتکالی و وابسته» بپرهیزد که بی‌نیاز شدن با کمک دیگران عین نیازمندی است.



طرح دوستی و برادری

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ اسْتَفَادَ بَيْنًا فِي الْجَنَّةِ!»؛ کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، خانه‌ای در بهشت برای خود فراهم ساخته است.

شرح: یکی از آداب اجتماعی اسلام انتخاب دوست و برادری با ایمان در زندگی است. دوست مؤمن به خاطر ایمان و اعتقادی که دارد خود را در برابر دیگری مسئول می‌داند و او را به نیکی تشویق می‌کند، از بدی باز می‌دارد، راهنمای اوست و به او خیانت نمی‌کند، ستم روا نمی‌دارد، فریب نمی‌دهد، در سختی‌ها یاور خوبی است، وعده‌ای که می‌دهد به آن پایبند است. دوست و برادر با ایمان به خاطر کارهای خویش انسان را به یاد خدا می‌اندازد. در واقع صداقت و راستی را به طور کامل مراعات می‌کند، چنین دوستی باعث می‌شود انسان را به سعادت و بهشت راهنمایی می‌کند.

بهره بردن از چنین برادر دینی مانند این می‌ماند که انسان در بهشت خانه‌ای برای خود بنا کند و از آن بهره ببرد و امام هشتم علیه السلام به همین نکته اشاره می‌نماید که به دست آوردن دوست و برادر ایمانی به دست آوردن خانه‌ای در بهشت است.

اما دوست بی‌ایمان انسان را به سوی گناه می‌کشاند به مجلس گناه دعوت می‌کند و همین باعث می‌شود حرکت انسان به سمت جهنم باشد، از یکی از بزرگان دین نقل شده است که من تا درب جهنم با دوست دوستی می‌کنم اما از درب جهنم به بعد از او کناره می‌گیرم.^۱



۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲، ح ۶.
۲. این جمله از آیت الله میرزای حسین قمی نقل شده است وی در زمان رضا شاه به خاطر کشف حجاب در شاه عبدالعظیم بست نشست.

حیا و شرم

امام رضا علیه السلام فرمود: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ»؛ حیا از نشانه‌های ایمان است. شرح: روابط اجتماعی براساس موازین خاص صورت می‌گیرد. سخن گفتن با یکدیگر، برخوردها، نوع پوشیدن لباس دارای قلمرو خاصی است که باید رعایت شود. احترام به دیگران چه در برخورد اعضای خانواده یا افراد دیگر، نیکو و با ادب سخن گفتن، لباس پوشیدن مناسب، همچنین کاربرد اخلاق خوب و توجه به ابعاد معنوی در برخوردها از شاخصه‌های ایمان است، بدون تردید شخصیت ارزشمند هر فرد بیشتر در گرو همین ویژگی‌ها است.

اگر در سخن گفتن از الفاظ رکیک، زشت، بی‌پرده همراه با تمسخر، پوزخند، توهین، ناسزا و مانند آن استفاده شود افزون بر آن که برخی موارد گناه شمرده می‌شود شخصیت هر فردی نیز بی‌ارزش خواهد شد و خود از مصادیق بی‌حیایی و بی‌شرمی خواهد بود و همین باعث ضعف ایمان یا خروج از ایمان خواهد شد چنان که در روایات اشاره شده است که ایمان و حیا، به هم پیوسته و مقرون یکدیگرند و اگر یکی از آن دو برود دیگری نیز خواهد رفت. زیرا بی‌حیایی و بی‌عصمتی زمینه گناه و فساد اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

حیا و عفت در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بیشتر در معرض طمع و تهاجم مردان فاسد قرار دارند به همین جهت باید در سخن گفتن، پوشش و حجاب خود، عفت و حیای کامل و لازم را رعایت نماید و با داشتن حیا و عفاف است که در محیط اجتماعی خود می‌تواند فعالیت مطلوب داشته باشد و آن چه که مانع حضور زن در جامعه است پدید آمدن زمینه‌های فساد، رعایت نکردن حریم‌ها و عفت‌ها است به همین جهت امام هشتم علیه السلام حیا و شرم را از نشانه‌های ایمان می‌داند.

ممکن است کسی تصور کند که در فراگرفتن مسائل دینی، عمل به وظیفه شرعی و حتی پرسش از یک مسئله شرعی و واجب نیز باید حیا به خرج داد، این جا مورد حیا و شرم نیست بلکه آموختن مسائل دینی از واجبات است و مسلمان نباید از پرسش کردن، فراگرفتن و عمل و تکلیف به حق و واجب، حیا و شرم کند زیرا در آگاهی از مسائل دینی هیچ گونه حیا و شرمی وجود ندارد.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.



اندوه زدایی از قلب ها

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ فَزَّجَ مِنْ مُؤْمِنٍ فَزَّجَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ هر کس که اندوهی از مؤمنی بگشاید خداوند در روز قیامت اندوه از قلبش بزدايد.

شرح: یکی از ویژگی های افراد بزرگ و شایسته این است که تنها به خود فکر نمی کنند، به فکر دیگران نیز هستند یکی از مهم ترین برنامه های آنان گره گشایی از کار دیگران، برطرف کردن مشکلی از زندگی دیگران، دلجویی و مدارا کردن، زدودن اندوه از قلب و چهره دیگران است، چنین افرادی دارای روحی بزرگ هستند.

اما عده ای از مردم فکر می کنند اگر به حل مشکلات دیگران بپردازند از پیشرفت در زندگی باز می مانند در حالی که منطق اسلام غیر از این است و در روایات فراوانی اهل بیت علیهم السلام مسلمانان را دعوت می کنند تا در رفع نیازمندی های یکدیگر کوشا باشند و همین باعث می شود که خداوند مشکل خودش را حل نماید، زیرا باید بدانیم خداوندی که قدرتش مافوق قدرت ها است می تواند به انسان بیش از دیگران کمک کند و مشکلات انسان ها به ویژه افراد نیکوکار را حل نماید. این موضوع را بارها به چشم خود دیده ایم افرادی بوده اند که به دیگران کمک کرده اند به طور شگفت آوری مشکلات خودشان حل شده است و حتی موفقیت های چشمگیری پیدا کرده اند که تنها با توجه به امدادهای الهی قابل توجیه است.

در هر صورت گره گشایی از کار دیگران ضمن این که بسیار ارزشمند است آثار و ثمرات فراوان نیز دارد روح انسان را شاداب، قلب دیگری را شاداب، جامعه اسلامی از وی راضی و به وجود چنین شخصی افتخار می کنند، افزون بر آن افرادی نیز هستند که روزی متقابلاً گره و گرفتاری از چنین شخصی بگشایند، همچنین آثار اخروی نیز دارد که امام هشتم علیه السلام به یکی از مهم ترین آن ها اشاره نموده و می فرماید: خداوند در روز رستاخیز، اندوه از قلب وی می زداید.



گناه پنهان و آشکار

امام رضا علیه السلام فرمود: «الْمُذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُورٌ وَ الْمُسْتَيْتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ»؛ آن کسی که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن که گناه را پنهانی انجام دهد مشمول آمرزش الهی است.

شرح: انسان موجودی اجتماعی است. اجتماع مانند خانه است که باید در حفظ و پاسداری از حریم آن نهایت تلاش را انجام دهیم. حریم جامعه مانند حریم خانه انسان است، پاکی جامعه به پاکی انسان و فرزندان کمک می کند، همان گونه که آلودگی جامعه در آلودگی خانواده سرایت می کند، بر همین اساس اسلام ضمن آن که با ارتکاب گناه در پنهانی مخالف است، با ارتکاب گناه به طور آشکار و در محیط زندگی و جامعه با شدت بیشتری مخالفت و با آن مبارزه می کند، زیرا گناه جو جامعه را مسموم و آلوده می کند و حرمت آن را از بین می برد، ایجاد مراکز فساد و فحشاء، تشویق به گناه، پدید آوردن زمینه علنی گناه و دامن زدن به تهمت ها همه از مصادیق اشاعه فحشا و گناه اجتماعی است. به همین علت امام هشتم علیه السلام می فرماید: کسی که گناه را نشر دهد و به طور آشکار گناه انجام دهد مطرود خداوند است و زمینه آمرزش را از بین برده است به خلاف گناه پنهان که مشمول آمرزش الهی است و زمینه آمرزش همچنان فراهم است و آن پشیمانی و توبه است.

در واقع گناه مانند آتشی کوچک است که اگر در یک نقطه باشد به سرعت می توان آن را خاموش کرد اما اگر به آتش دامن زده شود و به چند نقطه برده شود حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و توانایی کنترل آن از بین خواهد رفت.

حریم جامعه اسلامی و حفظ ظواهر آن اقتضا می کند که در برابر فساد باید سد ایجاد کرد و از نشر گناه و تجاهر به فسق جلوگیری کرد تا محیط مسلمانان از آلودگی ها حفظ شود و سالم بماند. یادآوری می شود که سخن امام هشتم علیه السلام مجوز بر ارتکاب گناه در پنهانی نیست تا کسی بگوید در پنهانی چون گناه آزریده می شود پس گناه اشکال ندارد، خیر. گناه هر کجا و هر گونه که باشد حرام و تخلف در برابر خالق با عظمت است اما در پنهانی به خاطر سرایت نکردن به دیگران زمینه آمرزش آن با توبه و استغفار سریع تر است.



شرط مسلمان بودن

امام رضا علیه السلام فرمود: «المُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأَيْقَنَهُ»؛ مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش آسوده باشند و کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد از ما نیست.

شرح: جامعه اسلامی باید برای دیگر جوامع از نظر اخلاقی الگو و نمونه باشد، یکی از ویژگی‌های مسلمانان آرامش اجتماعی در میان آنان است و آرامش به این است که با هم تعاون و همکاری داشته باشند، نیازمندی‌های یکدیگر را برآورده کنند و اگر با هم همکاری ندارند لاقابل نباید به یکدیگر اذیت و آزار رسانند و مردم‌آزاری از صفات بسیار زشت است به ویژه برای مسلمانان که باید امتی الگو باشند. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می‌فرماید: مسلمان باید به گونه‌ای باشد که همسایگان، مردم کوچه و بازار [= سایر مسلمانان] از دست و زبان او آسوده باشند، گفتار و کردار وی برای دیگران خیر و برکت داشته باشد. در سخن گفتن، نیک بگویند، با دیگران مشورت کند، احترام سایر افراد را نگه دارد، زبان بد نداشته باشد، فحش ندهد، ناسزا نگوید، بدزبانی نکند، دعوا نکند.

نزدیک‌ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه ویژه‌ای قائل است. سفارش‌های زیادی از پیشوایان دینی بر خدمت کردن و احترام به همسایه رسیده است تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، ابوذر و سلمان دستور داد تا به مسجد بروند و با صدای بلند بگویند: «کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد ایمان ندارد».^۲

بنابراین وظیفه است از حال همسایه باخبر شویم، در غم و شادی وی شرکت جوییم، در مشکلات و نیازمندی‌ها او را یاری دهیم، اگر مریض شد به عیادتش برویم، از اشتباهات و لغزش او درگذریم و نباید هیچ گونه اذیت و آزاری به او برسانیم. به همین علت امام هشتم علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی، همسایه‌اش از شرش در امان نباشد و او را اذیت و آزار نماید از ما نیست، یعنی او را دوست نداریم و این شخص از شیعیان امام هشتم علیه السلام نخواهد بود.



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

سپاسگزاری در برابر دیگران

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»؛ کسی که در برابر بندگان خدا که چیزی به انسان می‌بخشند سپاسگزاری نکند، سپاسگزار خداوند نیست.

شرح: قدردانی و سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران وظیفه هر انسان آگاهی است. از نظر تربیتی در روح خود انسان و فردی که کار نیک انجام داده است، آرامش روانی و تشویق به کار نیک به دنبال خواهد داشت. در آیات زیادی خداوند مردم را به شکر و سپاسگزاری دعوت می‌کند و روشن است زنده کردن حس شکرگزاری و قدردانی در مردم خود موجب افزایش نعمت و آرامش روانی جامعه خواهد بود و سود آن به خود انسان می‌رسد و در مقابل بی‌توجهی به تشکر کردن از دیگران دلیل سودجویی شخص و نداشتن شناخت و معرفت لازم است، به همین جهت کسی که از بندگان خدا نمی‌تواند قدردانی و سپاسگزاری کند چگونه می‌تواند سپاسگزار خداوند با آن همه نعمت‌های فراوان باشد.

شکر در برابر خداوند بر همین اساس است، خداوند از همگان بی‌نیاز است و به همه نیز نعمت‌های بی‌شمار داده است اگر کسی اهل معرفت و شناخت باشد می‌تواند در برابر خداوند بزرگ و بخشنده شکرگزاری کند. حتی فرمانش را به جان و دل بپذیرد و به همین وسیله هدایت و تربیت شود در نتیجه سود آن به خود شکرگزار بر می‌گردد زیرا اگر همه موجودات شکرگزاری خدا کنند چیزی بر عظمتش افزوده نمی‌شود و اگر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریا بی‌بیش گرد ننشینند.



نظافت و آراستگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «مِنَ اخْلَاقِ الْاَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ»؛ از جمله اخلاق پیامبران نظافت و پاکیزگی است.

حس زیبایی یکی از مهم‌ترین ابعاد چهارگانه (حس نیکی، حس دانایی، حس مذهبی و حس زیبایی) روح انسانی است و روانشناسان معتقدند تمام زیبایی‌های ادبی، شعری، صنایع ظریف هنری و دستی و... هر آن چه در زیر مجموعه هنر هست، مولود این حس می‌باشد.^۱

در آیات قرآن و روایات فراوان به استفاده کردن از زیبایی‌های طبیعت، برخورداری از چهره‌ای آراسته و پاکیزه، لباس‌های زیبا و متناسب، به کار بردن عطر و مانند آن سفارش شده است. قرآن کریم دستور می‌دهد که هنگام رفتن به مسجد با آراستگی بروند که اشاره به زینت‌های مادی مانند پوشیدن لباس‌های مرتب و پاکیزه، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن دارد و هم شامل زینت‌های معنوی یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص^۲ است و در آیه‌ای دیگر نیز با نوعی تندی نسبت به کسانی که تصور می‌کنند اسلام به پاکیزگی اهمیت نداده است می‌فرماید: «چه کسی زینت‌های الهی که برای بندگانش آفریده و روزی‌های پاکیزه را بر بندگان حرام کرده است»^۳ و این نشان می‌دهد که قوانین دین اسلام هماهنگ با ویژگی‌های روحی و جسمی انسان است و به قول معروف عالم تشریح و تکوین با هم هماهنگ است اما در هر چیز لازم است حد اعتدال و میانه‌روی رعایت شود و متأسفانه مردم در این گونه برنامه‌ها راه افراط می‌روند و به بهانه‌های مختلف به تجمل‌پرستی و خودنمایی روی می‌آورند و چه بسا به حرام نیز مبتلا می‌شوند که از جمله آن‌ها زیباگرایی و آرایش بانوان در دید افراد نامحرم و... است. بنابراین اسلام مخالف زینت و زیبایی نیست اما اسراف‌گرایی در آن را نیز نمی‌پسندد.

یکی از مصادیق زیبایی، پاکیزگی بدن و لباس است.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق، نظافت و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران الهی دانسته است. حتی در روایات آمده است که هر گاه آن امام برای ملاقات با مردم از منزل بیرون می‌آمدند خود را آراسته کرده و لباس زیبا می‌پوشیدند.^۴



۱. تحف العقول، ص ۵۱۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵.

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۰.

۳. اعراف، ۳۱.

۴. همان، ۳۲.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱.

سکوت مهرآور

امام رضا علیه السلام فرمود: «الصَّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ»؛ سکوت دری از درهای حکمت است، سکوت مهر و محبت آور است چرا که بر هر نیکی راهنما است.

شرح: سکوت و خاموشی نشانه خردمندی و عقل انسان است. موارد بسیاری است که انسان لب به سخن می‌گشاید اما سکوت برتر است، سکوت پشیمانی نمی‌آورد، انسان را به تفکر و تأمل وامی‌دارد، در بسیاری موارد موجب محبت در دل‌های دیگران است که دیگران را جذب می‌کند و چه بسا به سکوت غبطه می‌خورند. بسیاری کسانانی که از سخن گفتن نادم و پشیمان‌اند اما به خاطر سکوت هیچ‌گاه اظهار ندامت نمی‌کنند. شاعر عرب می‌گوید:

«ما إن ندمت علی السکوت مر ولقد ندمت علی الکلام مراراً»

به خاطر سکوت یک بار هم دریغ نخوردم اما به خاطر گفته‌ها بارها پشیمان شده‌ام. منشأ بسیاری از گناهان زبان است، دروغ، تهمت، غیبت، فحش و ناسزا گفتن، هرزه‌زبانی که هر یک گناهی بزرگ و همه از آفات زبان است. به همین علت زبان به منزله‌ی اسب سرکش است که باید به مهار و کنترل عقل درآید این باعث می‌شود انسان هر کجا سخن نگوید، در سخن گفتن تأمل کند، زبان خود را حفظ نماید و اگر این اختیار را نداشته باشد عواقب بد و زیان‌باری به دنبال خواهد داشت.

سخن پرورده پیر کهن بیندیشد آن‌گه بگوید سخن

به همین جهت امام هشتم علیه السلام سکوت را دری از درهای حکمت می‌داند که موجب جلب محبت و دل‌ها است و باعث می‌شود تا به راه‌های نیک روی بیاورد. یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که منظور امام علیه السلام این نیست که انسان همیشه و در همه حال لب فرو بندد و زبان به سخن نگشاید که حتی در مقام احقاق حق خود و دیگران سکوت اختیار کند و به دفاع از خود برنخیزد بلکه مقصود جلوگیری از هرزه‌گویی و زیاده‌روی در سخن است و اگر روایت فوق را این‌گونه تفسیر کنیم که انسان باید در هر حالتی حتی در برابر ستم ستمکاران و افساد مفسدان مهر سکوت بر لب زند و فریاد برنیارد چنین تفسیری مخالف شریعت اسلام است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجباتی است که با سکوت از بین می‌رود و باعث گسترش فحشاء و منکرات



می‌شود و سکوت در برابر ظلم گناهی بزرگ و نابخشودنی است اگر در برابر مفسد و مظالم سکوت کنند اسلام به خطر می‌افتد و دین نزد مردم بی‌اهمیت خواهد شد، در این گونه موارد اسلام دستور می‌دهد سکوت را بشکنید و داد و فریاد بزنید و مردم را علیه فساد و ستم برانگیزانید.



ثروت و انگیزه های جمع آوری آن

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ خَمْسٍ: يَبْخُلُ شَدِيدًا وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطْعِيَّةِ الرَّحِمِ وَ اِيْتَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»؛ مال جز با پنج خصلت در یک جا جمع نمی شود: بخل زیاد، آرزوی طولانی، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت. **شرح:** ثروت اندوزی بدون این که اموال در چرخه کار قرار گیرند، بزرگ ترین آفت جوامع به شمار می رود، در واقع نوعی آماس و بیماری است، ثروت، سرمایه کار و فعالیت و پیشرفت زندگی است اما برخی تصور می کنند سعادت و برآورده شدن آرزوی آن ها تنها در اندوختن مال است در حالی که در کنار آن ها افرادی نیازمند هستند که نیاز آن ها با سرمایه ای جزئی همراه با کار و فعالیت برطرف می شود یا افراد فقیری هستند که با انفاق مشکل آن ها حل می شود.

دنیاطلبی، حرص و بخل از انگیزه های ثروت اندوزی است زیرا علاقه زیاد به مال و ثروت و لذت بردن از زر و برق درهم و دینار باعث می شود انسان برای خود پتی به نام پول درست کند.

ثروت اندوزانی هستند که مال را به عنوان یک هدف می نگرند و حاضر نیستند نه تنها در منافع دیگران که حتی در منافع خود هزینه کنند، اینان در جمع آوری مال نهایت تلاش را به کار خواهند بست و چه بسا به هر وسیله از راه حلال یا حرام به دنبال آن خواهند رفت و به مرور زمان آن را نشانه عظمت و برتری شخصیت خود بدانند در نتیجه روز به روز بر حرص آن ها افزون تر می گردد. قرآن کریم به این افراد که ثروت اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند وعده عذاب دردناک آتش جهنم داده است.^۲

این افراد مال و ثروت دنیا را برای رفع نیازهای زندگی نمی خواهند بلکه به دنبال دنیاطلبی و آرزوهای دراز هستند، مال و ثروت اگر برای رفع نیازهای زندگی، در حد معتدل و از راه مشروع باشد نه تنها مذموم نیست بلکه مورد ستایش است و قرآن آن را فضل الهی می داند. چنین مالی نه طغیان آور است و نه مایه تفاخر. اما مالی که معبود انسان و هدف نهایی شود صاحبان آن مانند قارون هستند که ثروت روی هم انباشته می کنند و اموالشان سبب طغیانگری، مصیبت و دوری از خدا و در آخرت نیز نصیب آن ها آتش



۱. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۸، ح ۷.

۲. توبه، ۳۴ و ۳۵.

۳. عنکبوت، ۱۷؛ جمعه، ۱۰.

دوزخ خواهد بود.

نکته مهم این است که ثروت اندوزی بر اثر برخی صفات و انگیزه‌های ناشایست شکل می‌گیرد که باید از آن‌ها دوری جست. امام هشتم علیه السلام به مهم‌ترین آن‌ها اشاره نموده‌اند:

- ۱- پخل شدید
- ۲- آرزوی طولانی
- ۳- حرص غالب
- ۴- قطع رحم
- ۵- برگزیدن دنیا بر آخرت



کمک به ناتوان

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ اَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ»؛ کمک به ناتوان بهتر از صدقه دادن است.

شرح: هر جامعه‌ای دارای افراد متفاوت با ویژگی‌ها و استعداد‌های مختلفی است، برخی توانا، برخی ناتوان، برخی ثروتمند، برخی فقیر، برخی شجاع، برخی اهل بخشش، برخی بخیل و... این اختلافات باعث می‌شود تا زمینه نیاز انسان به یکدیگر فراهم آید و باعث شود تا انسان‌ها با یکدیگر همکاری داشته باشند.

دین اسلام در تمام زمینه‌های مثبت دعوت به همکاری با یکدیگر می‌نماید و یکی از اصول کلی اسلام این است که مسلمانان موظفند در کارهای نیک یکدیگر را یاری رسانند و در برنامه‌های مفید و سازنده با هم تعاون و همکاری داشته باشند.

یکی از موارد همکاری که در روایت فوق آمده است کمک به ناتوان است و منظور ناتوانی مالی نیست زیرا حضرت مسأله صدقه را مطرح می‌کند که کمک کردن به ناتوان برتر از صدقه دادن است. در نتیجه ناتوانی جسمی، ناتوانی در برابر ستم ستمکار را نیز شامل می‌شود که انسان نباید با مشاهده ناتوانی‌ها تماشاگر افراد ناتوان باشد بلکه باید به یاری انسان ناتوان بشتابد، کسی که در راهی باز مانده است، کسی که ناتوانی جسمی دارد، کسی که مورد ستم واقع شده و حق او پایمال گردیده، فرد انسان‌ها در برابر اینان مسئول‌اند. البته انسان به فردی که فقر مادی دارد نیز مسئول است که به وی کمک مالی کند و صدقه بدهد اما کمک کردن به انسان ستم‌دیده و انسانی که از نظر جسمی توانایی ندارد برتر از کمک کردن و صدقه دادن به فقیر می‌باشد.

ره نیک مردان آزاده گیر چون استاده‌ای، دست افتاده گیر







احکام و فلسفه آن

فلسفه خواندن نماز

امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه نماز فرمود: «لِنَّ فِي الصَّلَاةِ الْاِقْرَارَ بِالرُّبُوبِيَّةِ»؛ نماز اقرار به ربوبیت خداوند متعال است.

شرح: بسیاری از خود می پرسند ما چرا نماز می خوانیم و فلسفه خواندن نماز چیست؟ بدون تردید هیچ دستور و احکامی که از جانب خداوند صادر شده بدون علت و فلسفه نیست، نماز نیز یکی از آن ها است، نماز یکی از بهترین مصداق های پرستش است. هم پرستش قولی است و هم پرستش عملی. پرستش قولی است زیرا دارای ادکاری مانند قرائت حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود و تسبیحات می باشد و پرستش عملی است زیرا دارای قیام، رکوع و سجود است، بنابراین پرستشی معنادار و باهدف است، انسان با نماز و پرستش حقیقت بلکه حقایقی را ابراز می دارد.

یکی از مهم ترین فلسفه های نماز، توجه به ابعاد معنوی آن و ارتباط با خداوند است، قرآن کریم یاد خدا را علت اقامه نماز می داند.^۱ نماز اقرار به خضوع و خشوع در برابر معبودی بی نظیر است، اقرار به توحید و یگانگی خدا، اقرار به مالک و صاحبی است که پرورش دهنده همه موجودات است و به اصطلاح قرآن، اقرار به «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است. امام هشتم علیه السلام در سخن فوق به مهم ترین فلسفه نماز یعنی اقرار به ربوبیت اشاره می کند. با چنین اقراری خط بطلان بر همه «رَبِّ النُّوعِهَا» و خدایان باطل و بت هایی که به دروغ مورد پرستش قرار می گیرند کشیده می شود. جالب این که ما مسلمانان در شبانه روز حداقل در نمازهای واجب ده بار به ربوبیت خداوند جهان آفرین اقرار می کنیم تا بفهمیم هم خدای یگانه مالک و صاحب ما و همه موجودات است هم پرورش دهنده آن هاست.

با دقت در ریزه کاری ها و ظرافت موجودات هستی چه جاندار و چه بی جان متوجه می شویم که پرورش دهنده این موجودات چه قدر عالم، حکیم و قدرتمند است، حرکت های زیبایی ستارگان و سیارات که شب و روز و فصل های سال را تشکیل می دهند حیوان و انسانی که با یک نطفه پدید آمده، پرورش یافته و تبدیل به یک موجود زنده بسیار شگفت انگیز شده است، این تنها با تربیت حکیمانه امکان پذیر است موجود کوچکی مانند زنبور عسل دارای بال، چشم، پا، دست، دهان، نوع تغذیه و تولید بسیار زیبای عسل که شگفتی همه را برانگیخته

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. «اقم الصلوة لذکری»، طه، ۱۴.

۳. واژه «رب» به طور مطلق تنها بر خداوند اطلاق می شود و برای غیر خداوند به صورت اضافه به کار می رود؛ مانند «رب الدار» (صاحب خانه) و «رب السفینه» (صاحب کشتی). رک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده رب.



است و موجودی مانند شتر با جسمی بزرگ دارای کوهان و ویژگی‌های جسمی خاص و توانایی‌های مخصوص به خود، موجودی مانند انسان که تمام ویژگی‌های جسمی و اعضای بدن وی و نیز تمام ویژگی‌های روحی، عاطفی و احساسات و غرایز او شگفت‌انگیز و ناشناخته است همه و همه به ما می‌فهماند تمام ذرات جهان هستی از ناحیه موجودی قدرتمند و آگاه تربیت می‌شود که آن خداوندی است که مالک و صاحب و پرورش دهنده ماست و در نماز است که اقرار می‌کنیم، همه ستایش‌ها از آن اوست، او پروردگار جهانیان است، بخشنده و مهربان نسبت به همه بندگان به ویژه مؤمنان است و او مالکیت مطلق در روز رستاخیز دارد، پس شایسته است که در برابر چنین خدایی سرکرنش فرود آوریم، تنها او را بپرستیم و از او یاری بجوییم و این همان اقرار به ربوبیت است.



حکمت خواندن سوره حمد در هر نماز

امام رضا علیه السلام فرمود: «لِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْقُرْآنِ وَالْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ جَوَامِعُ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ»؛ زیرا هیچ چیزی در قرآن و سخنان دیگر که تمام خیر و حکمت در آن جمع شده باشد مانند آن چه در سوره حمد جمع شده باشد، نیست.

شرح: چرا در هر نماز باید سوره حمد بخوانیم و هیچ سوره‌ای دیگر جایگزین آن نمی‌شود؟ در روایت فوق به این پرسش پاسخ می‌دهد، توضیح این که این سوره در میان سوره‌های قرآن از نظر محتوا، آهنگ و تأثیر روحی و روانی درخشش فوق‌العاده‌ای دارد. در روایات آمده است که سوره حمد اساس قرآن است^۱، همچنین آمده است که در هیچ کتاب آسمانی نظیر تورات، انجیل یا زبور مانند سوره حمد نازل نشده است.^۲

با نگاهی به هدف و محتوای سوره حمد روشن می‌شود که مهم‌ترین اهداف سوره‌های دیگر در این سوره آمده است و آن اثبات ربوبیت و عبودیت است که هدف اساسی قرآن نیز همین است^۳ و محتوای این سوره نیز خلاصه و فهرستی از مجموع قرآن است، بخشی از آن، مانند «رب العالمین»، «رحمن»، «رحیم» و ... درباره توحید و صفات خدا است و بخشی از آن (مالک يوم الدين) مربوط به رستاخیز و بخشی دیگر درباره هدایت و ضلالت است و انسان را با راه راست یعنی راه نعمت داده شدگان آشنا می‌سازد و راه‌های انحرافی یعنی راه مغضوبین و ضالین را مشخص می‌کند.

به همین جهت خداوند این سوره را با حجم کوچک خود در برابر تمام قرآن قرار داده است زیرا خداوند می‌فرماید: «ای پیامبر ما به تو «سبع المثانی» یعنی سوره حمد که هفت آیه است و قرآن داده‌ایم»^۴.

ویژگی دیگر این سوره این که تبلوری از ارتباط بدون واسطه میان انسان و خدا است، جمله‌های زیبای آن مانند: «خدایا تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌خواهم، ما را به راه راست هدایت نما» تعبیراتی است که انسان را به طور کامل به خدا نزدیک می‌کند، به ویژه این که به طور مکرر در شبانه‌روز انسان آن را تکرار نموده و رابطه خود را با خدا



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۴.
۲. حویزی، نور الثقلین، ج ۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۷.
۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۷.
۴. مجمع البیان، همان.
۵. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۰؛ بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۹ و ۱۰۰، ح ۵ و ۳ و نیز: شیح طوسی، محمد بن علی، التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۹.

قوی ترمی نماید.

این سوره اساساً با سوره‌های دیگر از نظر لحن و آهنگ، تفاوت روشنی دارد، زیرا سوره‌های دیگر همه به عنوان سخن خداست اما این سوره از زبان بندگان است و خداوند شیوه مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگان می‌آموزد، چرا که یک قسمت آن تا «مالک یوم الدین» مربوط به حمد و سپاس و صفات خداوند است تا بندگان در آغاز خدا را بشناسند و پس از آن به مناجات با او بپردازند و قسمت دیگر که از «ایاک نعبد» تا آخر سوره است کاملاً مربوط به بنده و چگونگی سخن گفتن و مناجات با خداست، به همین جهت در روایات می‌خوانیم هر گاه بنده بگوید: «ایاک نعبد» خداوند می‌فرماید: «این بین من و بنده من است که او هر چه از من می‌خواهد درخواست کند».

با توجه به مطالب فوق اهمیت سخن امام هشتم علیه السلام روشن می‌شود که چگونه تمام خیر و حکمت در سوره حمد جمع شده است و در هیچ سوره و کلامی دیگر این چنین نیست.

نکته دیگر آثاری است که با خواندن این سوره به دست می‌آید، تلاوت این سوره با محتوای بزرگش، آثار زیر را در بردارد:

- ۱- باعث نزدیکی انسان با خدا می‌شود.
- ۲- روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند.
- ۳- باعث اتکا و اعتماد انسان به خدای یگانه می‌شود.
- ۴- اراده انسان را نیرومند و تلاش او را برای اعمال صالح و امور دین بیشتر می‌کند.
- ۵- میان گناه و انحراف فاصله می‌اندازد.



چرا ارث زن نصف مرد است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَّةُ إِعْطَاءِ الْإِنْسَاءِ نِصْفُ مَا يُعْطَى الرِّجَالَ مِنَ الْمِيرَاثِ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَالرَّجُلُ يُعْطَى فَلِذَلِكَ وَفِرْعَلَى الرِّجَالِ»؛ علت این که سهم زنان نصف سهم مردان از ارث است که زن هنگامی که ازدواج می‌کند مخارج و هزینه زندگی خود را می‌گیرد و مرد می‌پردازد و به همین علت سهم بیشتری به مردان داده شده است.

شرح: از نظر اسلام هر یک از زن و مرد ارث می‌برند اما ارث زن نصف ارث مرد است، اسلام این نظریه را در عصری مطرح کرده است که طبق سنت های جاهلی هیچ ارزشی برای زن قائل نبودند و زن به طور کلی از ارث محروم بود و هیچ گونه استقلالی نه از نظر اجتماعی و نه اقتصادی و نه سیاسی و... نداشت، اسلام در ابعاد مختلف به زن ارزش داد و مسئله ارث زن و حقوق اقتصادی وی را مطرح کرد و به زن استقلال در مالکیت داد.

ارث زن اگر چه نصف مرد است اما با توجه به وظایفی که بر عهده مردان گذاشته شده است، نیمی از درآمد مردان صرف هزینه زنان می‌شود زیرا مرد باید هزینه زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند، مسکن، پوشاک، خوراک و تهیه لوازم زندگی و مهریه زن بر عهده مرد است، این در حالی است که زنان از پرداخت هر گونه هزینه برای زندگی معاف و در مالکیت خود استقلال دارند. در نتیجه با ضرورت چنین مخارجی بر مرد بیش از نیمی از ثروت مردان در اختیار زنان قرار می‌گیرد ولی زن هم چنان ارث و ثروت های دیگر خود را می‌تواند نگهدارد و مالک آن باشد و هیچ هزینه ای نیز بر او نیست، در واقع این زن است که ثروت و ارث او دو برابر مردان می‌باشد زیرا سهم زن از نظر مصرف و بهره برداری دو برابر مردان است، هم ارث می‌گیرد و هم دیگری مخارجش را می‌دهد.

و علت این که فقهاء و مهریه لزوماً بر عهده مرد گذاشته شده است به خاطر توانایی، روحیات اجتماعی، طبیعت جسمی و ملاحظات روحی و روانی خاص مرد و زن است. از یک طرف آفرینش، حمل فرزند را بر عهده زن و جنس ماده گذاشته و قدرت جسمانی زن نیز کمتر از مرد است. در نتیجه قدرت تولید و تحویل ثروت در زن به طور طبیعی کمتر از مرد خواهد شد، افزون بر آن اگر مخارج زندگی لزوماً بر عهده زن باشد با قدرتی که مردان در تحصیل ثروت دارند زنان ناچارند برای به دست آوردن مخارج زندگی از مردانی بیگانه و سودجو پیروی نموده و به مشاغلی ناخواسته روی آورند و چه بسا به فساد و فحشاء کشیده شوند که این موجب تزلزل اساس خانواده خواهد شد.



با توجه به سخن امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه ارث زن و روایات دیگری که از دیگر امامان معصوم علیهم السلام رسیده است روشن می شود که این پرسش از صدر اسلام در اذهان مردم بوده است و پیشوایان دینی ما غالباً به یک مضمون به این سؤال پاسخ داده اند و آن این که هزینه زندگی همسر و فرزندان و پرداخت مهریه بر عهده مرد گذاشته شده است به همین جهت سهم آن ها نیز بیشتر قرار داده شده است.^۱



۱. جهت اطلاعات بیشتر رک: المیزان، ج ۴، ص ۲۱۵ و ۲۲۱؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۹۰ و ۲۹۱؛ مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۲۳ و ۲۲۵.

شرط امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «و الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ إِذَا أَفْكَنَ وَ لَمْ يَكُنْ حَافِيَةً عَلَى النَّفْسِ»؛ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب الهی است، در صورتی که ممکن باشد و ترس از ضرر جانی در آن نباشد.

شرح: جامعه مطلوب جامعه‌ای است که در آن نظارت و کنترل باشد، جامعه‌ای که بدون هدف در مسیر فساد حرکت کند، نتیجه‌اش تباهی و نابودی است، زیرا با رواج گناه و فساد منجر به تکذیب حقایق، گسترش باطل، جهالت، حاکمیت ظالمان و اهل باطل بر مردم خواهد شد. به همین جهت امر به معروف و نهی از منکر سبب کنترل جامعه، از گناه و فساد می‌شود و طبق آیات و روایات یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی همین امر به معروف و نهی از منکر است. فرد فرد انسان‌ها در برابر این وظیفه الهی مسئولند و افراد نمی‌توانند در برابر مسائل جامعه خود بی‌تفاوت باشند، بی‌تفاوتی در برابر صحنه‌های آلوده، روح انسان را تاریک و زشتی گناه را در نظر انسان کم و چه بسا ممکن است شخص را به گناه عادت دهد، محیطی که آلوده باشد زندگی را بر خانواده‌ها تلخ می‌کند و چه بسا اعضای خانواده را به فساد مبتلا می‌کند.

طبق آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی است و باید گروهی با عنوان آمران به معروف و نهی‌کنندگان از منکر در جامعه به این امر مهم بپردازند، تا مردم را به نیکی‌ها دعوت و از بدی‌ها بازدارند. اگر این فریضه الهی انجام شود گناه و فساد کمتر و راه‌ها امن می‌شود. علم و دانش گسترش پیدا می‌کند، جهل و نادانی از بین می‌رود، کسی به دیگری نمی‌تواند ظلم کند.

اما آیا هر کسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ پاسخ این است که خیر! کسانی که می‌خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند خود باید شرایط لازم را داشته باشند، و این فریضه الهی وقتی بر آنان واجب است که خود آگاه به معروف و منکر باشند، همچنین عامل به این دو نیز باشند و احتمال تأثیر در طرف مقابل نیز داده شود، در هر صورت باید زمینه و امکان آن وجود داشته باشد، و اگر محذوری پیش بیاید، بدین معنا که طرف مقابل با امر به معروف و نهی از منکر درگیر شود، به نزاع، کشمکش و توهین منجر شود ضرر جانی و مالی برای او داشته باشد در این صورت واجب نیست.

به همین جهت امام هشتم علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر را در صورتی واجب



می‌داند که ممکن باشد و ضرر جانی نداشته باشد. یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد، یکی مرحله فردی که وظیفه عموم مردم است و هر کسی موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به آلودگی‌ها و نابسامانی‌های اجتماع دست به دست هم بدهند و بایکدیگر تشریک مساعی داشته باشند. چون این مرحله، جنبه دسته جمعی دارد، از وظایف و شئون حکومت اسلامی است تا گروهی را برای این کار مشخص کند.



فقر مانع ازدواج نیست

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِذَا حَظَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَ خَلَقَهُ فَرَوْجُهُ وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقَتُهُ»؛ وقتی مردی به خواستگاری می‌آید و اخلاقش رضایت‌بخش بود، دخترت را به ازدواج او دربریاور، فقر و نداری وی تو را از این کار منع نکند.

شرح: یکی از برنامه‌های تکاملی اسلام که در آیات قرآن و روایات بر آن تأکید شده است مسأله ازدواج است. یکی از مراحل مهم ازدواج انتخاب همسر شایسته است. در اسلام برای پایدار ماندن خانواده و زندگی بهتر پیش از تشکیل آن شرایطی برای هریک از زن و مرد تعیین کرده است همان طور که زن باید عقیف، پاکدامن، باایمان و... باشد مرد نیز باید دارای ایمان، تقوا، امانت‌داری، مبتلا نبودن به شراب‌خواری، فساد و... باشد. عده‌ای از مردم هنگام ازدواج دختر خود به دنبال این هستند که مرد دارای ثروت، شغل پردرآمد، خانه، ماشین مناسب و... باشد. اما در روایت فوق امام رضا علیه السلام به دو شرط اساسی برای مرد اشاره می‌کند که دختران باید هنگام ازدواج با همسر دلخواه خود، این دو شرط را مد نظر داشته باشند: یکی دینداری و دیگری اخلاق نیک. مرد دیندار زندگی خود را بر اساس قوانین خوب و زیبای دینی اداره می‌کند، مرد دیندار به همسرش ستم نمی‌کند، غذای حرام در زندگی خود وارد نمی‌کند، خیانت نمی‌کند، همسرش را فریب نمی‌دهد، حقوق همسر خود بر اساس موازین دینی رعایت می‌کند، اما از آن جا که دینداری تنها کافی نیست حضرت اشاره می‌فرماید: مرد زندگی باید اخلاق خوب نیز داشته باشد، چه بسا فردی دیندار باشد اما بد اخلاق باشد و این مرد برای زندگی خوب و همیشگی زجرآور خواهد بود.

حضرت به ثروت مرد اشاره ندارند بلکه به عکس می‌فرماید: اما اگر کسی فقیر بود فقر مانع انتخاب همسر دیندار نیست، زیرا فقر، با تلاش و کوشش در کسب و کار مرتفع می‌شود، بسیاری از مردها در آغاز زندگی امکانات کافی برای تشکیل یک زندگی مجهز ندارند اما به مرور زمان خداوند به زندگی افراد توسعه داده و از فضل و رحمت خودش انسان را بی‌نیاز می‌کند و در قرآن کریم وعده داده شده است که اگر کسی ازدواج کند به زندگی او توسعه داده می‌شود و امام هشتم علیه السلام آیاتی را گواه می‌آورد که خداوند از فضل خود به زندگی انسان توسعه می‌دهد. از جمله این آیه که می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان درستکار را، و اگر فقیر و تنگدست



باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد، خداوند گشایش دهنده و آگاه است!»^۱
این وعده الهی بدین معنا نیست که از طریق معجزه آنان را بی‌نیاز خواهد کرد بلکه آغاز زندگی مشترک دو جوان، چه بسا از طرف والدین، اقوام و خویشان و افراد نیکوکار کمک‌هایی به آنان خواهد رسید ولی برای ادامه زندگی باید تلاش و فعالیت‌های ملموسی برای زندگی خود داشته باشند تا افراد به خود تکیه نموده و نیاز به کمک دیگران نداشته باشند، زیرا اسلام سستی و تنبلی در زندگی را دوست نمی‌دارد.



شراب؛ منشأ فساد

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَزَمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَبُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَذَهَابِ الْحَيَاءِ مِنَ الْوَجْهِ... وَهُوَ يُورِثُ مَعَ ذَلِكَ أَلْدَاءَ الدَّفِينِ»؛ خداوند شراب را حرام کرد برای آن که منشأ فساد اجتماعی است و عقل را از درک حقایق بازمی‌دارد، حیا را از روی شرابخواری برد و در مواجهه با آدم شرم نمی‌کند.

شرح: یکی از گناهان قطعی و محرمات در دین اسلام خوردن شراب است که در آیات و روایات به عنوان «خمر» آمده است، خمر در اصل به معنای پوشش است و در اصطلاح شرعی به هر مایع مست‌کننده‌ای خمر گفته می‌شود، خواه از انگور یا کشمش یا خرما یا چیز دیگر و از هر نوع مشروب الکلی باشد.

به کار بردن واژه «خمر» برای مایع مست‌کننده به خاطر تناسب آن با معنای لغوی آن است زیرا شراب انسان را مست می‌کند و عقل را می‌پوشاند و نمی‌گذارد خوب و بد و زشت و زیبا از هم تشخیص داده شود.

به طور کلی مشروبات الکلی زبان‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. **زبان رساندن به عمر انسان:** طبق آمارهایی که از کشورهای غربی رسیده است حد متوسط عمر معتادان به الکل بین ۳۰ تا ۵۰ سال می‌باشد.

زبان اخلاقی: شخص الکلی با خوردن مشروبات الکلی عاطفه خانوادگی، محبت نسبت به همسر و فرزندان، تعاون و همکاری در جامعه یا به طور کلی از بین می‌رود یا این ویژگی‌ها در او ضعیف می‌شود.

زبان رساندن به نسل‌ها: انعقاد نطفه در حال مستی باعث انتقال عوارض الکلیسم و برخی بیماری‌های مزمن به فرزند می‌شود و اگر زن و مرد هر دو مست باشند تا صد درصد عوارض و بیماری‌های حاد به فرزندان منتقل خواهد شد.

زبان اجتماعی: ضرب و جرح، سرقت‌ها و جرایم جنسی مربوط به الکلی‌ها بیش از دیگران می‌باشد.

زبان اقتصادی: خرید و فروش شراب اگر چه برای کمپانی‌ها و بسیاری از دولت‌های غربی سودهای هنگفت به همراه دارد اما خسارت‌های ناشی از آن بسیار زیادتر از این سودها است، مرگ جوانان، از بین رفتن مغزهای متفکر، اتلاف وقت، بیماری‌های روحی



۱. کافی، ج ۶، ص ۴۰۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۷. مشابه این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵، ح ۲ آمده است.

و روانی در اجتماع، فساد نسل‌ها، عقب افتادن فرهنگ و از بین رفتن معنویت و
بزرگ‌ترین خسارت‌های انسانی و مالی را به دنبال خواهد داشت بلکه این خسارت‌ها
با هیچ پولی قابل جبران نیست. خلاصه این که اگر درب نیمی از میخانه‌ها را ببندند
می‌توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز می‌شویم^۱ و در
واقع مشروبات الکلی سرمنشأ و اساس بسیاری از گناهان و فسادها می‌باشد.
با توجه به زیان‌های مطرح شده امام رضا علیه السلام به چند نکته اساسی که در واقع فلسفه
حرام بودن شراب است و همین واقعیت‌هایی است که امروزه مشاهده می‌شود، اشاره
می‌نماید: یکی این که مایه فساد اجتماعی است. دیگر این که عقل‌ها را از درک حقایق
باز می‌دارد، حیا و شرم از شرابخوار می‌رود و با وجود همه این فسادها، بیماری‌های
مزمین در اعضای بدن وارد شده و پایدار می‌ماند.



فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ۱- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، در احیاء التراث العربی، بی تا.
 - ۲- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، ط اول، ۱۴۲۵ ه.ق.
 - ۳- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم علی اکبر غفاری و مستفید، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
 - ۴- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، الطبعه الثانيه، ۱۴۰۸ ق (۱۹۸۸ م).
 - ۵- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
 - ۶- العیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ه.ق.
 - ۷- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان.
 - ۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه.
 - ۹- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
 - ۱۰- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، دار الصفوة، بیروت، الطبعه الثانيه، ۱۴۱۳ ق. (۱۹۹۳ م).
 - ۱۱- ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.، ۱۳۶۲ ش.
 - ۱۲- شبر، سیدعبدالله، اخلاق شبر، ترجمه جباران، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
 - ۱۳- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، ۱۳۶۵ ش.
 - ۱۴- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، انتشارات صدرا، ۱۳۶۰ ش.
 - ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
 - ۱۶- سید بن طاووس حسینی، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، انتشارات



- الشریف الرضی، طالاولی ۱۳۷۱ش / ۱۴۱۲ق
۱۷- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی،
۱۳۶۰. ه. ش.
۱۸- حرانی، علی بن شعبه، تحف العقول، مترجم محمدباقر کمره‌ای، کتابچی،
تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۹- حویزی، محمدبن علی بن جمعه، نورالثقلین، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۸۳.



توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «نشانی بهشت»

* سؤال‌ها از متن همین کتاب طرح شده است و افراد بالای ۱۲ سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: نشانی بهشت ۱۳۲۴۲ علی محمدی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به سؤال‌ها در پاسخنامه و ارسال آن به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵

هزینه ارسال پاسخنامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.



* هر فرد فقط یک بار می‌تواند در مسابقه شرکت کند؛ پیامک‌ها و پاسخنامه‌های تکراری حذف می‌شود.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: مطالب، پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سؤال‌های مسابقه

سوال اول: بر اساس سخن امام رضا علیه السلام برای دست یابی به حقیقت ایمان چه شرایط و ویژگی‌هایی لازم است؟

۱. شناخت در دین
۲. برنامه ریزی صحیح در زندگی
۳. صبر و شکیبایی در همه سختی‌ها
۴. همهٔ موارد

سوال دوم: «خداوند سرپرست و اداره کنندهٔ و مربی عالم هستی است.» این اعتقاد بیانگر کدام نوع توحید است؟

۱. توحید در ربوبیت
۲. توحید در صفات
۳. توحید در مالکیت
۴. توحید در خالقیت

سوال سوم: راز عظمت و ماندگاری امام حسین علیه السلام در تاریخ چیست؟

۱. دین اسلام با قیام و شهادت امام حسین دوباره احیا گردید
۲. قیام امام حسین علیه السلام در خدمت انسانیت، دین و منطق با خواسته‌های بشری و رضایت معبود بود
۳. امام حسین علیه السلام با اعضای خانواده و اصحاب اندکش بر علیه کفر و ظلم قیام نمودند.

د: هیچ کدام

سوال چهارم: طبق سخن امام رضا علیه السلام کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد تا هزینهٔ خانواده خود را تامین کند، چه پاداشی دارد؟

۱. پاداشش همانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.
۲. پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.
۳. مانند کسی است که از شب تا به صبح به عبادت خدا مشغول بوده باشد
۴. مانند کسی است که تمام سال روزه گرفته باشد.



سوال پنجم: کدام سوره اساس و خلاصه‌ای از مجموع قرآن کریم است که به آن «سبع المثانی» نیز گفته می‌شود؟

۱. سوره مبارکه قدر

۲. سوره مبارکه کوثر

۳. سوره مبارکه توحید

۴. سوره مبارکه حمد



مشخصات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر:

تلفن همراه:

پاسخنامه

مسابقه فرهنگی نشانی بهشت

سؤال ها	گزینه ها	۱	۲	۳	۴
اول					
دوم					
سوم					
چهارم					
پنجم					

..... فرستنده:

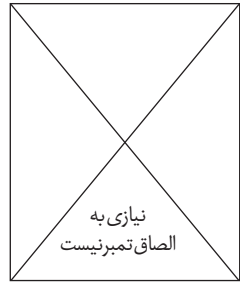
.....

.....

.....

.....

..... کد پستی:



پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد

شماره ۲۱۵-۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره‌ی امور فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹



نظر سنجی - نشانی بهشت

زائر و مجاور گرامی

پرسشنامه ذیل برای بهره مندی از نظرات ارزشمند شما در جهت ارتقاء خدمات فرهنگی تهیه شده است. لطفاً خادمان خود را در تحقق این امریاری نمایید. پرسشنامه تکمیل شده را به دفاتر راهنمای زائر تحویل دهید. **مشخصات فردی:**

سن: جنسیت: تحصیلات:
 شهر: شغل:

ردیف	موضوع	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	میزان قابل فهم بودن مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
نظرات و پیشنهادات: ----- ----- -----						

